



پرونده‌های جهان متحد شوید!

شماره ۱۸۱ مرداد ۱۴۰۰

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران (توفان)

فهرست مطالب

سخن هفته!	۲
بحران آب، خیزش خوزستان و «بیانات رهبر معظم»	۳
من یک اغتشاگر!...	۴
دلایل بحران آب کدامند؟	۴
حمایت و همبستگی سندیکاها و تشکل‌های دموکراتیک نسبت به مبارزات مردم خوزستان	۵
هفتمین شب اعتراض‌ها در خوزستان — تجمع حمایتی در یزدانشهر اصفهان	۷
اسامی جانبازان راه آزادی و عدالت اجتماعی در شهرهای خوزستان	۸
مشکل مدیریت آب در ایران ربطی به آسمان ندارد؛ متهم را پشت میزهای قدرت بجوید	۹
در جبهه نبرد طبقاتی	۱۰
فقر و گرسنگی محصول سیستم سرمایه داری	۱۸
بیانیه حزب کارگران تونس در مورد تحولات اخیر	۱۹
به مناسبت چهلمین سالگرد جانباختن رفیق نادر رازی	۲۰
چند یادداشت کوتاه سیاسی	۲۳
بیانیه جمعی دانشجویان در همبستگی و حمایت از کارگران نفت و پتروشیمی	۲۶
به مناسبت چهلمین سالگرد اعدام جنایتکارانه رفیق رزمنده توفانی، جانبرار روحی	۲۶
بیانیه کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست در مورد کوبا	۲۸
دراغستان چه میگذرد	۲۹
افزایش «میلیاردرها» در چین سرمایه داری	۳۰
ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده	۳۱
گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش	۳۲
پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام	۳۳
دین دشمن علم و آزادی	۳۴



سخن هفته!

مبارزه عادلانه مردم خوزستان ودوستان و دشمنان این خیزش!

موج اعتراضات شجاعانه ومحقانه مردم خوزستان که ریشه دربی آبی، بیکاری، فقر وتبعیض وسرکوب خونین دارد، برخورد‌های متضادی رادرپاسخ به این خیزش بازتاب داده است. برخی از محافل ناسیونال شونیست تجزیه طلب نظیر «جبهه الاحواز» که از عربستان سعودی تغذیه می‌شوند، بر طبل درگیری زودرس مسلحانه وجدایی ونفرت قومی می‌کوبند تا از آب گل آلود برای مقاصد شوم خود سودجویند. فرقه رجوی و سلطنت طلبان نیز مردم را به قهر زودرس و قیام مسلحانه دعوت می‌کنند تا زمینه «مداخله بشردوستانه» رافراهم سازند. هرگونه درگیری قهرآمیز زودرس با توجه به توازن قوا بنفع رژیم جمهوری اسلامی است وبه سرکوب خونین مردم منجر خواهد شد. در مقابل قیام زودرس وسوریه ولیبزه کردن ایران که مزدوران امپریالیسم وصهیونیسم درسودای چنین سناریوی شومی‌اند باید ایستاد وبه افشای بی امان این دشمنان قسم خورده مردم کمر همت بست وهوشیارانه ازمبارزه مردم حمایت نمود.

بازی با قیام قهرآمیز بدون فراهم بودن نیروی رهبری کننده انقلابی وشرايط ذهني عمومي به فاجعه منجر خواهد شد وبه زیان مبارزه حق طلبانه مردم است. مبارزه سراسری مردم باید گام به گام توده‌ای تر گردد، همراه با دامنه گسترش اعتصابات کاری، اعتصاب معلمان، پرستاران وسایر اقشار اجتماعی و فشار همگانی از پایین، رژیم را وادار به عقب نشینی و از او در عرصه‌های مختلف امتیاز گرفت و خود را برای روز رستاخیز عمومی و رهبری آن آماده کرد.

دسته دیگر، که با زبان «چپ» سخن می‌گویند، از ترس دشمن خارجی وعده کردن آن به نفی مبارزه دمکراتیک مردم، که بازتابی از ظلم و ستم طبقاتی وسایر اشکال تبعیض اجتماعی و فرهنگی است، می‌پردازند و سرکوب اعتراضات را با توسل به تئوری‌های رویزونیستی واپورتونیستی توجیه می‌کنند.

وقتی نارضایتی مردم همگانی می‌شود وسرکوب افسارگسیخته وشبه فاشیستی دولتی تنها پاسخ «معقول» به مطالبات اولیه ملت است، آنوقت مقاومت عمومی وبرآمد ملت بر علیه ستم وزورگویی وتبهکاری، نیز عکس العملی طبیعی و مشروع وعادلانه است که درسپهر سیاسی جامعه خود را مطرح می‌سازد ونمی‌تواند مورد حمایت آزادپخواهان قرار نگیرد.

اینکه جنبش اعتراضی مردم ومقاومت عمومی ملت فاقد رهبری با صلابت وانقلابی است و فضا برای نفوذ نیروهای ارتجاعی وعوامل امپریالیسم واحتمال خطر به انحراف رفتن آن منتفی نیست، نمی‌تواند مانع از شرکت مبارزین در مبارزه همگانی، دفاع از ابتدایی ترین نیاز مردم، یعنی آب ومطالبات دمکراتیک وافشای نیروهای ارتجاعی و جهت دادن مردم در مسیر صحیح گردد. نمی‌توان با اشاره به خطر انحراف جنبش، فقدان بدیل انقلابی ومردمی، به پند واندرز کشیش گونه مردم جان به لب رسیده پرداخت و سازش طبقاتی را جایگزین مبارزه طبقاتی و سرکوب مردم راتوسط گراهای اسلامی توجیه کرد. چنین سیاست ارتجاعی که از آغاز انقلاب بهمن بویژه در دهه ۶۰ ضربات جبران ناپذیری بر مبارزه آزادی خواهانه عموم مردم وارد ساخت، جراحاتش هنوز التیام نیافته وزمانی بس طولانی می‌طلبد تا بر بی اعتمادی مردم فائق آییم.

با درسهای خیزش انقلابی دی ۹۶ وآبان ۹۸ بر توسعه دامنه فعالیت خود بیافزائیم و وظایف خود را شجاعانه تر تعیین نمائیم. شالوده کارما بر اساس حساب صحیح منافع طبقاتی توده ها و مقتضیات فعلی تکامل همگانی مردم استوار است. بالا بردن سطح آگاهی توده، هوشیاری و ضرورت تشکیلات ورهبری حزبی کماکان بنیان ومضمون اصلی تمام فعالیت ما خواهد بود ولی درعین حال فراموش نکنیم که لحظاتی نظیر آنچه که فعلا ایران می‌گذراند وظایف ویژه و خاصی را به این وظیفه عمومی، دائمی و اساسی اضافه می‌نماید، مبارزه آگاهانه علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و پیوند زدن آن بامبارزه علیه دشمنان خارجی بویژه امپریالیسم آمریکاست که وظیفه تعطیل نشدنی ما وهمه نیروهای انقلابی است.

خلاصه کنیم: باید هوشیارانه ازمبارزه مردم، مبارزه برای آب، نان آزادی، مسکن وحقوق دمکراتیک دفاع کرد وبه تبلیغ نظردرست پرداخت. مبارزه مردم درخوزستان وسراسر ایران بر علیه رژیم فاسد وتبهکار مافیایی سرمایه داری اسلامی برحق است واین مبارزه باید بر علیه امپریالیسم ونوکرائش پیوند بخورد تا ازدستبرد لاشخوران بین المللی مصون بماند. تشکیلات وسازمان ازنان شب نیز واجب تراست، باید برخلاف جریان آب حرکت کنیم ودرجهت تحقق این وظیفه تاریخی بکوشیم.

زنده باد همستگی با مبارزه قهرمانانه مردم خوزستان!
زنده باد صف متحد مردم ایران علیه ارتجاع وامپریالیسم!

۳۱ تیر ماه ۱۴۰۰ •

در عرصه های گوناگون سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی در دوران ۳۶ ساله اخیر است!

«خامنه ای» است که با تغییر و تحریف اصل ۴۴ قانون اساسی و در پیش گرفتن سیاستهای نئولیبرالیستی تیشه به ریشه اقتصاد ملی زده و باعث ورشکستگی و نابودی مراکز تولید صنعتی و کشاورزی و گسترش بیکاری ، فقر ، حاشیه نشینی ، بی خانمانی ، کار کودکان ، فحشاء ، اعتیاد ، کارتن خوابی و گور خوابی در کشور شد!

«خامنه ای» است که با تأیید دستورالعمل های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ، بخش اعظم ثروت ملی را تحت عنوان خصوصی سازی مفت مسلم به اعوان و انصار و آدمکشان و مافیای حاکم و سگ توله هایشان واگذار کرد!

«خامنه ای» است که با همین سیاستهای اقتصادی ، با خصوصی سازی جنگلها و مراتع و منابع آب و برق ، به نابودی محیط زیست و صدور آب و برق و خاک کشور پرداخت!

وضعیت موجود در کشور و از جمله بحران آب نه محصول طبیعت و نه حتی محصول بی دانشی و بی تدبیری و تصمیمات غلط ، بلکه محصول عملکردی آگاهانه و خائنهانه بر مبنای دزدی و غارت و چپاول دارائی های ملت ایران است!

«خامنه ای» می گوید علت مشکلات موجود عمل نکردن به توصیه های اوست! کدام توصیه؟ نماز باران ؟ استفاده کردن از تربت ابا عبدالله ؟ یا قرار داد بستن ستاد بحران با حوزه علمیه؟

خبرگزاری تسنیم می نویسد: توصیه مهم دیگر مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۸ نسبت به مشکلات آب خوزستان، حل مشکلات فاضلاب استان خوزستان و شهر اهواز بود که در این باره رهبر معظم انقلاب با تخصیص ۵۰ میلیون دلار از صندوق ذخیره ارزی بر لزوم حل مشکلات فاضلاب تأکید کردند. در حال حاضر این طرح به گفته معاون وزیر نیرو در مرحله انتخاب پیمانکار قرار دارد. (که البته همین تاخیر دو ساله جای تأمل است) معاون وزیر نیرو راست میگوید دو سال در حال زدو بند هستند که چطور این پنجاه میلیون دلار را با پیمانکاری خودی و با نفوذ ملاخور کنند و به ریش چند میلیون مردم رنجیده و دردمند اهواز بخندند! خبرگزاری تسنیم در گزارش خود اضافه می کند: رهبر معظم انقلاب چند سال پیش (مورخ ۱۷ اسفند ۹۳) در دیدار با مسئولان و فعالان محیط زیست، منابع طبیعی و فضای سبز فرمودند:

«همین موردی که الآن اشاره شد - کاری که گفتند انجام گرفته؟ آبخوانداری - خوب است. نام خوبی است، کار خوبی هم هست».

و این آبخوانداری که نام خوبی است چون شباهت به آخوند دارد همان توصیه رهبر معظم در رابطه با رفع مشکل کم آبی است! حال از این مردک شارلاتان باید پرسید آب چشمه و سفره های زیر زمینی آب چه ارتباطی با آب آشامیدنی و کشاورزی مردم خوزستان ، اصفهان ، لرستان و چهارمحال بختیاری دارد که از طریق آبهای سطحی تامین میشود؟ تغییر مسیر رودخانه به منظور تامین آب صنایع فولاد و ذوب فلزات و سنگریها و کاشی سازی ها و ... در اصفهان و تغییر مسیر آب لرستان به سمت قم به منظور تامین آب کارخانجات و باغهای پسته آخوندها و فروش آب آشامیدنی مورد نیاز مردم کشور به کویت و عراق مسبب بحران آب ایجاد شده در شرایط فعلی است! خیزش زحمتکشان خوزستان که «آب» جرقه آن شد و همزمان با اعتصابات گسترده کارگران بیش از صد شرکت نفت و گاز مناطق جنوب کشور لرزه بر تن رژیم پوسیده و دزد و فاسد و جانی جمهوری اسلامی انداخت در راستای جنبش زحمتکشان در دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ است! مضمون و محتوای این جنبش عمیقاً ضد سرمایه داری است و کلیت این نظام منحوس را هدف قرار داده است! اتحاد وهمسبستگی و تشکیلات همه کارگران وزحمتکشان میهن رمز پیروزی این جنبش انقلابی است! •



بحران آب ، خیزش خوزستان و «بیانات رهبر معظم»

«علی خامنه ای» در سخنانی بعد از یک هفته از خیزش مردم خوزستان و حمایت مردم در تهران و اصفهان ، چهار محال بختیاری ، لرستان ، آذربایجان و خراسان از آنها می گوید:

« اگر به توصیه هایی که نسبت به آب و فاضلاب خوزستان انجام شده بود توجه میشد ، حالا مسلمان این اشکالات را نداشتیم مردم ناراحتیشان را بروز دادند و هیچ گله ای نمیشود از آنان داشت. »

« چه کسی بالاترین مسئولیت را در کشور دارد؟

« چه کسی مسئولیت اصلی را در تمام عرصه های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ، اجتماعی و فرهنگی دارد؟

« چه کسی فرمانده کل قوای نظامی و انتظامی است؟

« چه کسی دستور آماده باش به نیروهای سرکوب و گسیل آنها از سایر استانها به خوزستان را داده است؟

« چه کسی دستور سرکوب و دستگیری و تیراندازی و کشتار تظاهرات مسالمت آمیز مردم را داده است؟

« رهبر معظم » اگر معترف هستی که مردم ناراحتیشان را بروز داده اند و گله ای از آنها نمیتوان داشت ، چرا دستور کشتار نوجوانان و جوانان محروم و بیکار و عاصی از فقر و گرسنگی و بی آبی را که با دست خالی و مسالمت آمیز اعتراض کرده اند را دادی؟

وقاحت و عدم پذیرش مسئولیت فصل مشترک همه مقامات جمهوری اسلامی از صدر تا ذیل است!

یکی از ویژه گیهای منحصر به فرد حاکمیت آخوندهای دزد و سرمایه دار در ایران این است که همه مقامات نه پاسخگو، بلکه خود مدعی و منتقد و در موضع ایپوزیسیون قرار دارند و مقصر همه مشکلات را دیگران معرفی میکنند و این دیگران یا جناح و باند رقیب است و یا مقامات دیگر و یا مردم و یا دشمنان خارجی و ...

همه مردم ایران به خوبی میدانند که تصمیم گیری اصلی در همه عرصه های سیاست داخلی و خارجی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی و اجتماعی شخص خامنه ای است و اوست که کنترل نیروهای نظامی و انتظامی و شورای نگهبان و شورای تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان و رادیو وتلوویزیون و وزارت دفاع و وزارت اطلاعات را و در یک کلام همه اهرم های اصلی قدرت را در دست دارد و در واقع قوه مجریه ، مقننه و قضائیه مجری اوامر او هستند!

«خامنه ای» متهم اصلی در رابطه با تمامی فجایع و مصائب و مشکلات

دلایل بحران آب کدامند؟

علاوه بر امپریسم، رژیم‌های فاسد و ضد مردمی، در کشورهای دیگر جهان، نظیر ایران، عامل دیگری است که با حمایت همه‌جانبه ازاقلیت سرمایه‌داران و با اعمال سیاست‌های ارتجاعی، مسبب فقر و فلاکت اکثریت مردم و عقب‌ماندگی و نابودی کشورند. از دهه هشتاد میلادی، امپریالیست‌ها، خصوصاً امپریالیست‌های اروپایی، سیاست انتقال «صنایع کثیف، Dirty Industrial، به سخن دیگر صنایع آلوده‌کننده و مضر را، به کشورهای غیر صنعتی و «جهان سومی»، از جمله ایران، در دستور کار قرار دادند، زیرا که این کشورها فاقد تکنولوژی لازم و پیشرفته بر روی مواد خام و تبدیل آنها به ده‌ها برابر قیمت خام‌اش بودند و هستند. یکی از مهم‌ترین نوع «صنایع کثیف»، صنعت تولید فولاد خام چون میله گرد، ورق فولادی و تیرآهن و غیره است. «کبرهایشی رفسنجانی»، که روحانی پُرنفوذ و نفر دوم حکومت، بعد از «خمینی» بود، از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ میلادی پُست ریاست جمهوری داشت. او یکی از طرفداران پر و پا قرص «اقتصاد بازار» یا همان «اقتصاد نتولیرالیسم» و در سیاست خارجی هم شیفته مذاکره و تسلیم به غرب و در ضمن غول مافیای مالی ایران هم بود. در زمان وی، ده‌ها کارخانه تولید فولاد خام، توسط آقازاده‌ها و بخش خصوصی رانت‌خوار، با دریافت پورسانت‌های کلان، خریداری و وارد کشور شد و بدین ترتیب تولید فولاد کشور که قبل از انقلاب یک میلیون تن و ابتدای انقلاب به نصف کاهش یافته بود، به یکباره رشد صعودی پیدا کرد و به ۳۰ برابر، یعنی ۳۰ میلیون تن افزایش یافت. دانسته است که تولید فولاد نیاز به آب فراوان دارد و قیمت هر تن فولاد هم در بازارهای بین‌المللی، به مبلغ ۷۰۰ دلار، دارای منافع سرشاری است که سود حاصله از فروش، مستقیماً به حساب‌های بانکی خارجی مافیای فولاد ریخته می‌شود و هیچ‌گاه به کشور باز نمی‌گردد.

کارشناسان و متخصصین دلسوز ایرانی برآورد کرده‌اند که هر تن فولاد حدود ۳۰ تن لیتر آب مصرف می‌کند، به عبارتی هر کیلو آهن احتیاج به ۳۰ لیتر آب دارد. آنها به درستی می‌گویند که ۹۷ درصد از آب مصرفی برای تولید آهن، نه تنها قابل استفاده نیست، بلکه جزو پس‌آب صنعتی محسوب می‌شود و آسیب جبران‌ناپذیری به زمین و محیط‌زیست و سفره‌های آب‌زیرزمین وارد می‌سازد. در اجرا و ادامه سیاست‌های خائنانه فوق، نه تنها دولت رفسنجانی، بلکه دولت «خاتمی»، «احمدی نژاد» و «روحانی» نیز دخیل بودند. در این مدت ۳۲ ساله حاکمیت دولت‌های ضدایرانی و ضد مردمی و ضد البته با توافق و رضایت «ولی فقیه»، برای تأمین این حجم عظیم از آب، برنامه سدسازی در دستور کار قرار گرفت و ده‌ها سد در اطراف شهرهای شوشتر، اندیمشک و دزفول ساخته شد و آب سدها توسط تونل‌های زیرزمینی به شهرهای اردکان، یزد، اصفهان و دیگر شهرهایی که «صنعت کثیف» تولید فولاد در آنها دایر شده بود، انتقال یافت و لذا دیگر آبی به خوزستان، که همیشه سبز و خرم و جزو استان‌های مولد و غنی کشور بود، نرسید. زمین خوزستان از بی‌آبی روی درهم کشید و خشکید و اشک کشاورزان و دامداران و مردم زحمتکش استان آن را به شوره‌زار بدل کرد. گفتنی است که بی‌آبی و کم‌آبی مختص خوزستان نیست، بلکه هم‌اکنون و عنقریب دیگر استان‌های کشور را گرفتار کرده و خواهد کرد. واضح است که جمهوری سرمایه‌داری اسلامی حاکم بر ایران در حفظ منافع سرمایه‌داران زالوصفت گام برمی‌دارد و در این راستا از هیچ جنایتی رویگردان نیست. رژیم اسلامی در تمام این ۴۳ سال فقط با زبان زور و ستم با مردم رفتار کرد و می‌کند. مردم زحمتکش و ستمدیده ایران، برای گرفتن حقوق انسانی‌شان، چاره‌ای جز اعتراض و آمدن به کف خیابان را ندارند زیرا که «حق» گرفتنی است. اما مردم باید به سازماندهی و تشکیلات روی بیاورند تا بتوانند هرگونه توطئه رژیم سرکوب‌گر و دشمنان رنگارنگ خارجی و داخلی را خنثی نمایند. نیروهای پراکنده و فاقد «رهبری» آگاه، علی‌رغم دلیری، مشکل بتوانند سرِ خصم را به سنگ بکوبند و خود حاکم بر سرنوشت خویش گردند.

زنده‌باد رزم مشترک کارگران، زحمتکشان و کشاورزان خوزستان و سراسر ایران علیه رژیم سرمایه‌داری ایران و امپریالیست‌های غارتگر! •



نامه ای از یک کارگر هفت تپه

من یک اغتشاش‌گرم!

«موسوی جزایری» عضو مجلس خبرگان به معترضان گفته اغتشاش‌گر و گفته اینها ستون پنجم دشمن هستن و مجازات سنگینی در اسلام برای اینها هست.

بدینوسیله اعلام می‌کنم من هم یک اغتشاش‌گرم چون می‌خواهم در اعصاب و روح و امنیت و آسایش امثال شما و سیستم شما و ظلم و سرکوب شما اغتشاش ایجاد کنم. من خواهان عدالت و برابری و آزادی هستم و برای همین می‌خواهم در سیستم ستم و ظلم و فقر و سرکوب اغتشاش ایجاد کنم.

ضمناً ما ستون پنجم دشمن شما نیستیم ما خود دشمن شمایم. شما هم دقیقاً و به معنای درست کلمه دشمن مایید. صف ما در مقابل صف شما کاملاً آشکار است. ما طبقه کارگر و دشمن شمایم. شما هم طبقه استثمار و سرمایه و سرکوب و دشمن ما. و اما: یه طوری از مجازات می‌ترسونی که انگار تا الان داشتید برامون کباب می‌پختید! ما چند دهه است زیر مجازات ستم کارانه شما و سیستم فقر و بدبختی گستر شما هستیم و برای همین است در سیستم شما اغتشاش ایجاد می‌کنیم.

«موسوی جزایری» و سایر مسئولین حکومتی! شما دشمن مایید و ما دشمن شمایم و ما همگی اغتشاش‌گرم و علیه شما اغتشاش می‌کنیم.

با تشکر از همه اغتشاش‌گران

احد شواغیل هفت تپه

۱ مرداد ماه ۱۴۰۰ •



حمایت و همبستگی سندیکاها و تشکل های دمکراتیک نسبت به مبارزات مردم خوزستان

همزمان با ادامه اعتراضات در استان خوزستان، شماری از سازمان‌ها، سندیکاها و تشکل‌های ایران حمایت خود را از مردم معترض اعلام، و سرکوب خشونت‌آمیز معترضان در شهرهای مختلف این استان توسط نیروهای امنیتی را محکوم کرده‌اند. «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان»، «گروه اتحاد بازنشستگان»، «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه»، «سندیکای کارگران هفت تپه»، «کانون نویسندگان ایران» و شماری دیگر از نهادهای صنفی و مدنی و همچنین فوتبالیست‌های نامدار ایران حمایت و همبستگی خود را با مردم خوزستان ابراز داشته‌اند.

قطعی آب و برق مداوم در استان خوزستان سبب شد تا طی هفته‌های گذشته مردم دست به اعتراض بزنند. دامنه اعتراضات به بی‌آبی به شهرستان‌های مختلف این استان رسید و باعث شد تا مشکلات دیرپای این استان و سوء مدیریت، دزدی و تبعیض و غارت حاکمان دوباره مورد توجه قرار بگیرد.

«شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران» روز سه شنبه، ۲۹ تیرماه (۲۰ ژوئیه) در بیانیه‌ای «کشتار مردم بی‌دفاع خوزستان» را محکوم کرد. در بیانیه این شورا آمده است: «پرآب‌ترین استان ایران و خاورمیانه امروز چنین عطشان و تشنه پی جرعهای آب، از سمت حکومت، گلوله‌های سرکوب را بر شقیقه خویش به تماشا می‌نشیند». این شورا وضعیت جاری را «غمناک‌ترین سرشت تاریخی» ایران خوانده و در بیانیه خود نوشته است: «[این شورا] ضمن محکوم کردن کشتار بی‌رحمانه مردم بی‌دفاع خوزستان، خواهان پایان دادن به این خشونت عریان بوده و از مسئولان

مربوطه می‌خواهد یک بار و برای همیشه جلوی این جنایات گرفته شود.»

«سازمان معلمان ایران» نیز در بیانیه‌ای خود به مشکلات دیرپای زیرساختی در این استان اشاره کرده و گفته است که «بی‌توجهی به توصیه‌های علمی کارشناسان، سبب پیدایش این وضعیت بحرانی شده است». به گفته این سازمان، «خوزستان از روزگاران دور، قلب اقتصاد ایران، غله کشور و ثروتمندترین و پرآب‌ترین استان ایران بوده است و این وضعیت بحرانی، یک باره حادث نشده است؛ [بلکه] کاهش بارش‌ها، خشک‌سالی‌های مداوم، عدم دوراندیشی، سوء تدبیر و سوء مدیریت در سدسازی‌های بی‌رویه و غیر علمی، کشاورزی سنتی، سیاست ترغیب به کشت و کارهای پرمصرف آب مانند برنج کاری و [...] و بی‌توجهی به توصیه‌های عملی کارشناسان سبب پیدایش این وضعیت بحرانی شده است».

«کانون معلمان همدان» طی انتشار بیانیه‌ای مورخ دوم مرداد ۱۴۰۰ سرکوب مردم خوزستان را محکوم کرد و با مبارزه مردم ابراز همبستگی نمود.

این کانون در بخشی از بیانیه خود نوشت:

«امروز کرخه و کارون، یارای سیراب نمودن سرزمین همیشه پایدار خوزستان را ندارند، اهوازی که نگین شهرهای ایران بود، دیروز با حمله بیگانگان و امروز با بی‌تدبیری مسئولان، به سرزمینی خشک و تشنه تبدیل شده است.

مردم جان به لب رسیده این دیار کهن که زیر بار رنج‌های تحمیل شده، خم به ابرو نیاوردند، امروز نه برای تضييع حقوق عقیدتی و قومیتی، که برای «تشنگی» فریاد برآورده‌اند تا شاید گوش شنوایی ندای «العطش» آنان را بشنود و دستی یاری‌گر، ابتدایی‌ترین نیاز آنان را برطرف سازد.

اما دریغ که پاسخ استمداد آنان، به جای «آب» با «خشاب» داده شد.

جور و جفا و بیدادی که امروز گلوی هموطنان عزیز ما در خوزستان را می‌فشارد، تمامی مردم ایران را آزرده خاطر ساخته است.

هیچ انسانی در هیچ کجای این کره خاکی، شیوه برخورد با

و بلوچستان در وضعیت فاجعه‌بار کرونایی است و اکثر مناطق کشور در وضعیت قرمز قرار دارند.

در چنین شرایطی طبقه کارگر و فرودستان به درک درست و مشترکی از اتحاد و همبستگی رسیده‌اند و برای رهایی از وضع اسفناک موجود متحدانه به مبارزه برخاسته‌اند. اگر در دی ماه ۹۶ و آبان خونین ۹۸ مردم معترض سرکوب می‌شوند، اما باز هم صدای فریاد اعتراض همچنان بلند است. اعتراضات مردم خوزستان علیرغم کشتار و سرکوب خونین ادامه دارد و تاکنون منجر به جانباختن چندین تن و دستگیری صدها جوان در شهرهای مختلف خوزستان شده است.

حمایت‌های شهرهای مختلف کشور و حمایت‌های کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری و اقشار مختلف جامعه از جمله معلمان و بازنشستگان و هنرمندان و نهاد های مختلف مستقل مدنی از اعتراضات مردم خوزستان خود نشان از گسترده بودن نارضایتی‌ها از عملکرد حاکمیت دارد.

«سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» ضمن حمایت از مردم معترض به بی‌آبی در خوزستان اعلام می‌دارد کشتار، سرکوب و بازداشت مردم معترض باید متوقف گردد و تنها راه برون رفت از شرایط موجود را اتحاد و وحدت برای طبقه کارگر و زحمتکشان می‌داند. هرچقدر دامنه اتحاد در اعتراضات یکپارچه و متحدانه باشد با هزینه کمتری بر شرایط تاسف‌بار کنونی فائق خواهیم آمد. چاره زحمت‌کشان وحدت و تشکیلات است»

«کانون نویسندگان ایران» نیز طی انتشار بیانیه در همبستگی با مردم خوزستان نوشت:

«چگونه می‌توان چشم فروبست بر فجایعی که هر لحظه در گوشه و کنار کشور رخ می‌دهد؟ چندین هفته است که هزاران کارگر زحمتکش صنعت نفت، نیشکر هفت تپه و ... در اعتصاب به سر می‌برند و هیچ‌کس پاسخ‌گوی مطالبات برحق آن‌ها نیست. چندین روز است که مردم خوزستان، که از بی‌آبی جان به لب‌شان رسیده، برای تأمین ضروری‌ترین نیاز زندگی خود، آب، به تظاهرات خیابانی روی آورده‌اند و به جای آب، گلوله و گاز اشک‌آور می‌گیرند. ماه‌هاست مردمی که سایه‌ی شوم بیماری و مرگ ناشی از همه‌گیری کرونا را بالای سر خود می‌بینند، در انتظار دریافت واکسن هستند و این روزها صف‌های طولانی را برای دریافت چیزی که ماه‌ها پیش باید دریافت می‌کردند، تاب می‌آورند. سال‌هاست که گروه بی‌شماری از مردم هر روز که از خواب برمی‌خیزند می‌بینند براثر رشد سرسام‌آور قیمت‌ها فقیرتر از دیروز شده‌اند و مجبورند گوشت، مرغ، میوه و لبنیات را به تدریج از سفره‌های خود حذف کنند.

با این همه، همین مردم اگر رغبت کنند و نگاهی به رسانه‌های رسمی کشور بیندازند خواهند دید که نه تنها از این نابسامانی‌ها و فریادهای اعتراض‌شان در آن‌ها نشانی نیست، بلکه چنین

مردم رنج دیده و مظلوم خوزستان را فراموش نخواهد کرد و مسلماً تاریخ در این باره (نه به دلخواه عاملان) قضاوت خواهد کرد.

بر همین مبنا، ما نیز اعلام می‌داریم، تا پایان در کنار خوزستان ایستاده ایم و در مقابل تجاوز به حقوق انسانی آنان بی تفاوت نخواهیم ماند»

«گروه اتحاد بازنشستگان» نیز ریشه بحران بی‌آبی را «طرح‌های غیرکارشناسی» در مورد سد سازی و انتقال آب دانسته است. این گروه «نبود آب و برق اخیر» را در «جرقه آتش خشم فروخورده همه سال‌های سیاهی و تباهی» خوانده و گفته که «پاسخ حاکمیت به آن «فقط سرکوب و خشونت» بوده است. همزمان «سازمان معلمان ایران» نیز گفته است که حاکمیت و مسئولان باید از مردم استان خوزستان دل‌جویی کنند و در اقدامی «عاجل»، کارشناسانه، سنجیده و علمی، با مشارکت مردم» به حل بحران بپردازند. این سازمان همچنان خواسته است تا از تقابل خشونت‌آمیز با اعتراضات مردم پرهیز شود.

همچنین کارگران «سندیکای هفت تپه» مورخ سوم مرداد ۱۴۰۰ با انتشار اطلاعیه‌ای حمایت خود را از خواست به حق مردم خوزستان اعلام داشته و خواستار رسیدگی فوری به حقوق پامال شده کارگران و زحمتکشان این منطقه می‌باشند. «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» نیز در بیانیه‌ای مورخ ۲ مرداد ۱۴۰۰ ضمن همبستگی با مبارزه مردم خوزستان در انتقاد به مسئولین بی‌کفایت حاکم چنین نوشت:

«مردم خوزستان به دلیل بی‌کفایتی و ناکارآمدی مسئولان، در پر آب‌ترین استان کشور، برای دستیابی به آب، در کف خیابان‌ها خون می‌دهند. اینبار نیز همانند آبان خونین ۹۸ و دی ۹۶، حاکمیت بجز کشتار و زندان، پاسخی برای مطالبات معترضین و فرودستان و اقشار ضعیف جامعه ندارد. بی‌آبی امروز خوزستان ریشه در سیاست‌های غیر کارشناسی و چپاول‌گرانه و سودمحورانه دهه‌های گذشته سرمایه‌داری در استخراج نفت و تأمین آب برای صنایع فولاد دارد که از درآمد آن چیزی نصیب مردمان نمی‌شود. نتیجه این سیاست‌های سیری‌ناپذیر تا جایی رسیده که مردم خوزستان از حق آب آشامیدنی سالم محروم هستند و برای ساعت‌های طولانی آب در این استان بطور مکرر قطع می‌شود و آب برای نیازهای اولیه زندگی وجود ندارد، کشاورزان و دامداران نیز به دلیل بی‌آبی خسارت دیده و شغل و درآمدشان را از دست داده‌اند.

بی‌توجهی عمیق دولت مردان و حاکمان نسبت به معیشت طبقه کارگر و فرودستان موجب شده اکثریت مردم نتوانند هزینه‌های حداقلی نیازهای خوراک و بهداشت و درمان، تحصیل، پوشاک و تفریح را تأمین کنند و قطعی آب و برق بر این شرایط سخت و اسفبار افزوده است. عملکرد بسیار ضعیف مسئولان در رابطه با کنترل ویروس کرونا و واکسیناسیون عمومی موجب افزایش مرگ و میر شده است و در حال حاضر استان سیستم

هفتمین شب اعتراض‌ها در خوزستان — تجمع حمایتی در یزدانشهر اصفهان

۳۰ تیر ۱۴۰۰ خورشیدی

گزارش دریافتی:

اعتراض‌ها در شهرهای خوزستان به بی‌آبی، فقر و تبعیض نظام‌مند به هفتمین شب خود رسید. بر اساس ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، جوانان جان به لب رسیده، امروز چهارشنبه ۳۰ تیر در دست‌کم شهرهای ایذه و شیبان و ماهشهر و مسجدسلیمان و خور موسی و سوسنگرد به خیابان آمده‌اند و با نیروهای امنیتی درگیر شده‌اند. در یزدانشهر اصفهان نیز مردم در حمایت از خوزستان به خیابان آمده‌اند. ایذه که اعتراض‌ها در آن سه‌شنبه شب ۲۹ تیر با سرکوب خونین نیروهای امنیتی مواجه شد، بار دیگر چهارشنبه صحنه تظاهرات بود. گزارش‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی از حضور سنگین نیروهای امنیتی و درگیری آنها با معترضان خشمگین خبر می‌دهند. شب گذشته دست‌کم سه معترض کشته شده بودند. اعتراض‌ها در مسجد سلیمان نیز آغاز شده است و ویدئوهای منتشرشده از حضور سنگین نیروهای امنیتی در این شهر خبر می‌دهند. در منطقه الهایی بین شوش و اهواز نیز مردم دست به تجمع زده‌اند. فریاد همبستگی و حمایت از اعتراض‌های خوزستان چهارشنبه ۳۰ تیر در یزدانشهر اصفهان طنین‌انداز شد. بر اساس ویدئوهای منتشرشده، معترضان فریاد می‌زدند: «ایرانی می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد». اعتراض‌ها به بی‌آبی، فقر و تبعیض نظام‌مند در خوزستان ۲۴ تیر ابتدا از مناطق عرب‌نشین و از سوی شهروندان عرب آغاز شد و سپس به دیگر مناطق گسترش یافت. دامنه این خیزش به اهواز، سوسنگرد، ایذه، دزفول، بهبهان، ماهشهر، آبادان و ... کشیده شده است. هنوز تعداد جان‌باخته‌های اعتراض‌های خوزستان مشخص نیست، اما تاکنون دست‌کم ۹ شهروند معترض که به دست نیروهای امنیتی کشته شده‌اند، مشخص شده است:

میثم عیچرش، فرزند فریسات (الفریسای)، محمد عباس الکنانی، محمد عبداللهی، محمد کروشات، مصطفی منیعاوی، قاسم خضیری و هادی بهمنی.

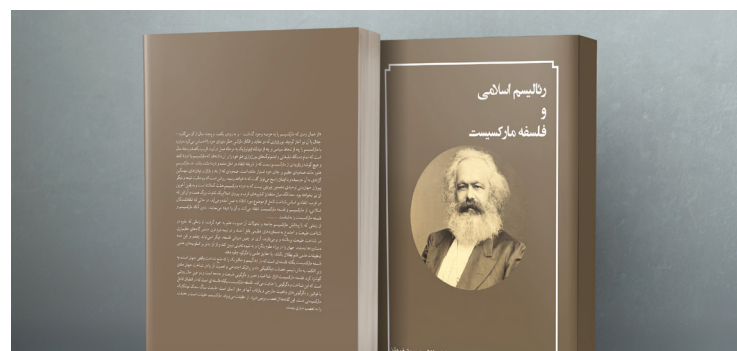
زنده باد همبستگی با هموطنان خوزستانی!

زنده باد صف متحد مردم سراسر ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم! •

وانمود می‌شود که گویی «در شهر خبری نیست» و همه چیز آرام است! لازم به گفتن نیست که بخشی از روزنامه‌نگارانی که خود از همین مردمند و شریک رنج‌های مردم، شاید به میل خود بر این همه ناپسامانی چشم فرونبسته باشند. آن‌ها مجریان سیاست «سانسور» اند؛ سیاستی که سال‌هاست راه تنفس فرهنگ، دانش، اقتصاد، محیط زیست و در یک کلام راه تنفس زندگی متمدنانه را بسته است؛ سیاستی که با سرپوش گذاشتن بر زشتی و پلیدی، و انکار فساد و رانت‌خواری، و در سایه استبداد مطلق، به آن‌ها مجال رشد سرطانی می‌دهد؛ سیاستی که واقعیت را سانسور می‌کند، با این گمان باطل که حقیقت هرگز از پرده برون نخواهد افتاد. واکنش‌های صریح و گسترده مردم در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که این «سیاست» از کار افتاده است.

مردم خوزستان می‌دانند که خشکسالی و بی‌آبی امروز منطقه‌شان، منطقه‌ای که در سالیانی نه‌چندان دور بخش عمده‌ای از محصولات کشاورزی کشور را تولید و تأمین می‌کرد، پیامد سیاست‌های غارتگرانه و مردم‌ستیزانه‌ای است که در سه چهار دهه‌ی گذشته به اجرا در آمده است. مردمی که در بخشی از سال به علت پدیده‌ی ریزگردها از هوای سالم محرومند، مردمی که گاهی در گرمای پنجاه درجه برق ندارند، مردمی که نخلستان‌ها، کشتزارها و دام‌های‌شان رو به نابودی است، مردمی که اکنون به آب آشامیدنی دسترسی ندارند، حق دارند به خیابان بیایند و اعتراض کنند. این مردم از تشکلهای حزب‌ها و رسانه‌ی مستقل برای بیان خواسته‌های خود یکسر محرومند. این مردم، خود رسانه‌ی خویش‌اند و هیچ کس حق ندارد پاسخ آن‌ها را با گلوله و گاز اشک آور بدهد. درخاتمه کانون نویسندگان ایران با محکوم کردن سرکوب معترضین بیانیه را به پایان می‌برد:

«کانون نویسندگان ایران سرکوب اعتراض‌ها و اعتصاب‌های مردم را محکوم می‌کند و بر اساس منشور خود، از حق آزادی همگان بی‌هیچ حصر و استثنا، برای بیان مطالباتشان دفاع می‌کند و از همه‌ی اهل قلم، روزنامه‌نگاران مستقل، فعالان اجتماعی و مردم آزادی‌خواه می‌خواهد به سانسور تن ندهند و بیانگر رنج‌های مردم و خواسته‌های برحق آن‌ها باشند.» •



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید



اسامی جانبختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی در شهرهای خوزستان

آینده خواهد گذاشت. اسامی چندین نفر از جانبختگان در چند شهر خوزستان به قرار ذیل است. از تعداد مجروحین اخبار دقیقی در دست نیست.

« هادی بهمنی کشته شده در اعتراضات ایذه »

« محمد عبداللهی کشته شده در اعتراضات ایذه »

« حمزه (فرزاد) فریسات کشته شده در کوی علوی »

(حی الثوره) اهواز

« محمد کروشوات کشته شده در کوی علوی (حی الثوره) اهواز »

« محمدعباس الکنانی کشته شده در شوش »

« مرگ یکی از جوانان خرمشهری که به هنگام برگشت از کار مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود. هنوز اسم این شهید منتشر نشده است. »

« میثم عچرش که هنوز محل کشته شدن او مشخص نشده است. »

این جوانان شجاع و غیور تن به ذلت ندادند و جان فشانانه به پیش رفتند تا تاریخ دیگری را برای خود و مردمان سراسر ایران رقم زنند.

یادشان گرامی! ننگ و نفرت بر رژیم سرمایه داری و تبهکار جمهوری اسلامی! •

رژیم جمهوری اسلامی جوانان بی دفاع و غیرمسلحی را که فریاد آب و نان و آزادی سردادند را به رگبار گلوله بست و نمره سرداد « ما فریاد آب را با خون و گلوله می دهیم ». تا از این طریق و با زبان ارباب معترضین رابه هراس اندازد تا شاید برای حفظ جانشان در خانه بمانند. لیکن این سیاست افسارگسیخته رژیم که در دی ۹۶ و آبان ۹۸ فاجعه آفرید و بطور کوتاه مدت مردم را در شوک فروبرد دیگر اثر ندارد و مردم خوزستان نشان دادند موجی نیستند که آرام گیرند و ترسی از رو در رو قرار گرفتن با رژیم تا بن دندان مسلح ضد بشرندارند. مردم خوزستان بویژه جوانان جان به لب این مرز و بوم شجاعتی بی بدیل دارند و تا همینجا وبا دست خالی نشان دادند و توانستند در مقابل رژیم وحشی اسلامی بایستند و فریاد حق طلبی سر دهند. حمایت و همبستگی سراسری مردم ایران با مبارزه مردم خوزستان نویدبخش است. در صورتی که این مبارزات در مسیر صحیحی در تحت فرماندهی واحد انقلابی قرار گیرد، تاثیرات عظیمی بر تحولات



مشکل مدیریت آب در ایران ربطی به آسمان ندارد؛ متهم را پشت میزهای قدرت بجوید

به اندازه خوزستان از کمبود آب خشمگین نیستند؟ پاسخ این است که آنها درک می‌کنند که در خراسان آبی نیست که بخواهند توزیع کنند، اما در خوزستانی که کارون، دز، کرخه، زهره، مارون و بهمن شیر را دارد؛ در خوزستانی که یک سوم منابع آب سطحی ایران در آن جاری است، چرا باید مردم در چنین فلاکتی اسیر و گرفتار باشند؟

چهارم آری ... مشکل ما با دعا و نماز باران یا با غلبه تفکر سازه‌ای در یزد، اصفهان، خراسان، سمنان، خوزستان، کرمان، ارومیه، فارس، قم و ... حل نخواهد شد؛ وقتی که بلد نیستیم از آب موجود به درستی استفاده کنیم؛ وقتی که ضایعات در بخش کشاورزی ما چندبرابر حد استاندارد است؛ وقتی که با صادرات آب مجازی فکر می‌کنیم می‌شود پول پایدار تولید کرد؛ وقتی که عرضه ترمیم لوله‌های فرسوده شبکه شرب شهری را نداریم و سی درصد آب را به هدر می‌دهیم و وقتی هنوز به بیست درصد اهداف برنامه‌های پنج ساله چهارم تا ششم نرسیده و اغلب شهرهای ما فاقد تصفیه‌خانه و توان بازچرخانی آب هستند. ما کفران نعمت کرده و خواهیم کرد. تا زمانی که به جای پخمه‌ها از نخبه‌ها استفاده نکنیم و به جای کلنگ مدیریت با مدیریت کلنگی روزگار بگذرانیم. این شاید آخرین هشدار برای آنهایی باشد در دورن حاکمیت که هنوز اعتبار و وقار ایران و توجه به حقوق ملی برایشان مهم است.

• ازاینستاگرام محمد درویش فعال محیط زیست مقیم ایران

یکم به طور متوسط و به شهادت آمارهای شرکت مدیریت منابع آب ایران، میانگین توان آب قابل استحصال کشور در یک دوره درازمدت پنجاه و دوساله حدود یکصد میلیارد مترمکعب است. از این مقدار فقط هشت الی هشت و نیم درصد می‌تواند نیاز آب شرب یک سال ایرانیان را تامین کند. یعنی کمتر از یک هفتم آبی که در مخازن سدهای ایران ذخیره می‌شود به فرض آنکه از مخازن آب زیرزمینی اصلاً در هیچ شهری استفاده نشود - که می‌شود - کافی است تا ایرانیان را دیگر از هیولایی به نام تشنگی نترسانیم.

دوم پس اگر اینک در خوزستان با رخدادی به نام شورش آبی روبرو شده‌ایم، در بروجن بیش از شصت روستا را با تانکر آبرسانی می‌کنیم و در گیلان برای جبران کمبود آب شرب مردم به قطع رویشگاه‌های جنگلی و ساخت سدهای بزرگ مخزنی روی آورده‌ایم؛ این نه به دلیل کمبود ریزش‌های آسمانی که به دلیل کمبود خرد، وجدان و فهم بوم‌شناختی در مدیریت آبی سرزمین است.

سوم هیچ از خود پرسیده‌ایم که چرا مردم در خراسان جنوبی



اخبار سرکوب و مقاومت

۴ تیر

صدها تن با امضاء نامه ای در حمایت از «اسماعیل گرامی»، کارگر بازنشسته‌ی زندانی، خواهان آزادی بی قید و شرط ایشان شدند. در این نامه آمده است: «نزدیک به یک سال است که بازنشستگان برای دستیابی به مطالبات برحق خود، از جمله همسان‌سازی حقوق‌ها، سلسله تجمعاتی مسالمت‌آمیز را برگزار کرده‌اند. با این حال، طبق روال همیشگی، نهادهای امنیتی با بازداشت، احضار و پرونده‌سازی تلاش کرده‌اند تا مانع از برگزاری این تجمعات و حق خواهی و مطالبه‌گری بازنشستگان شوند. «اسماعیل گرامی» یکی از بازنشستگانی است که در کنار دیگر همتایان خود خواهان احقاق حقوق بازنشستگان بوده و ۱۴ فروردین‌ماه توسط اطلاعات سپاه در خانه‌اش بازداشت شد. ... ما امضاء کنندگان این نامه با محکوم نمودن روند غیرقانونی بازداشت و دادگاه «اسماعیل گرامی»، خواهان آزادی بی‌قیدوشرط ایشان و تمامی بازنشستگان بازداشت‌شده هستیم».

اتحادیه معلمان کشور آلمان در بیست و نهمین کنگره سندیکای معلمان با اکثریت قاطع آراء خواستار آزادی همکار سندیکایی خود «اسماعیل عبدی» شد.

۷ تیر

«کانون نویسندگان ایران» در اطلاعیه ای پرونده سازی برای اعضای کانون «حتی در زندان» را محکوم ساخت و خواهان آزادی تمامی اعضای کانون و دیگر زندانیان شد. در این اطلاعیه آمده است: «روز گذشته «بکناش آبتین»، عضو زندانی کانون نویسندگان ایران، به بازپرسی شعبه‌ی ۴ دادسرای شهید مقدس احضار شد. احضار او به دلیل انتشار خبر ابتلای او به کرونا در فروردین سال جاری و گفتگوی تلفنی او با یکی از نزدیکانش

در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات و اعتراضات کارگری تیر ماه ۱۴۰۰

اعتصاب کارگران صنعت نفت که از ۲۹ خرداد شروع شده است هر روز وسعت بیشتری گرفته تا آنجا که تا کنون حدود ۱۱۴ مرکز کارگری را در ۱۵ استان در بر گرفته است و کارگران مبارز صنعت نفت کماکان پایدار و استوار بر خواسته‌های برحق خود پافشاری می‌کنند تا به حقوق خود دست یابند. و البته پشتیبانی تمامی تشکلات مستقل کارگران، فرهنگیان، بازنشستگان و ... و مردم زحمتکش، نیرویی دو صد چندان به آنان داده است.

در زمانی که مبارزات کارگران رشته‌های مختلف، در اقصی نقاط ایران برای به دست آوردن یک زندگی شایسته به پیش می‌رود، و حکومت سعی در سرکوب دارد، به واسطه سیاست‌های نابخردانه و میهن‌بربادده مسئولان کشور زمینه‌های زراعی به زمین تفدیده و خشک تبدیل شده‌اند و هست و نیست کشاورزان و دامداران نابود شده است، تا آنجاییکه در طی یک هفته خیابان‌های چندین شهر و استان به صحنه درگیری مردم جان به لب رسیده با گرگان وحشی حکومت سرمایه داری اسلامی تبدیل شده است. نبود برق و آب (حتی آب نوشیدنی) در گرمای تابستان و وجود ویروس کشنده کرونا و عدم مدیریت صحیح و اصرار بر ادامه سیاست‌های نئولیبرالی، چنان وضعیت وحشتناکی را بوجود آورده است که کارگران و کشاورزان و دیگر زحمتکشان دست از جان خود شسته‌اند و به نبردی نابرابر با حکومت چپاولگران برخاسته‌اند. مبارزات کارگران و زحمتکشان در تیرماه بدون وقفه ادامه یافت که در ذیل به بخشی از آن‌ها نگاهی می‌اندازیم.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت حکم ناعادلانه ۳ ماه حبس علیه «حسین حسن خانی» بیانیه ای منتشر ساخت.

۲۷ تیر

جمعی از فعالان صنفی معلمان در کنار فعالان کارگری، مدنی و حقوق بشری با حضور در منزل «اسماعیل عبدی» و دیدار با همسر و فرزندان این معلم زندانی زاد روز وی را گرامی داشتند و با اعتراض به تداوم بازداشت وی خواهان آزادی این معلم دلسوز شدند.

۳۱ تیر

برادر «سپیده قلیان» خبر داده است که ۸ زندانی در زندان بوشهر به قصد کشتن سپیده به او حمله کرده و او را مورد ضرب و شتم شدید قرار داده اند. یک روز بعد از تماس تلفنی سپیده با خانواده اش، پدر و مادر سپیده سراسیمه از شهرستان دزفول به سمت زندان بوشهر که ۷۰۰ کیلومتر فاصله دارد، حرکت کرده و به ملاقات او رفته اند. مسئولین زندان از مطالبه والدین «سپیده قلیان» مبنی بر کنترل دوربین های مدار بسته خودداری کرده اند.

صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه ها

۱ تیر

اعتصاب سراسری شرکت های تابعه پارس جنوبی توسط کارگران معترض پروژه های نفت گاز پارس جنوبی در فاز ۱۴ پارس جنوبی نیز کلید خورد.

کارگران پالایشگاه ها، پتروشیمی ها، نیروگاه ها و سکوهای نفتی یکی پس از دیگری و در همبستگی با هم دست از کار کشیدند تا به خواسته های خود برسند. از ۲۹ خرداد تا اولین روز تیر ماه کارگران شرکت های زیادی از شرکت های تابعه پارس جنوبی، در میدان گازی پارس جنوبی و کارگران صنعت نفت در شهرهای تهران، اراک، بهبهان، کنگان، آبادان، قشم، بوشهر، گچساران و ... به اعتصاب سراسری پیوسته اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران فلز کار و دیگر تشکلات مستقل صنفی کارگران، معلمان، بازنشستگان و ... ضمن برسمیت شناختن حق اعتراض و اعتصاب برای تمامی کارگران، حمایت خود را از خواسته های بحق کارگران نفت، پتروشیمی و پالایشگاه ها اعلام داشتند.

۲ تیر

کارگران شاغل در پالایشگاه اصفهان، گروه نفت ستاره دماوند، گروه پایینگ شرکت نقش جهان در بیدبلند بهبهان، کارگران مخازن نفتی جاسک، نیروهای شرکت کیسون بندر جاسک و کارگران شرکت تهران جنوب ماهشهر، به اعتصابات همکاران

پیرامون وضعیت سلامتی اش صورت گرفته است. ... «کانون نویسندگان ایران» در بیانیه ای نسبت به وضعیت سلامت و جان «بکتاش آبتین» و سایر زندانیان سیاسی و عقیدتی واکنش نشان داد و اعلام کرد «این عمل جنایتکارانه ای مسئولان زندان» جان و سلامت او و دیگر زندانیان بند ۸ را به خطر انداخته است و مسئولیت سلامت و جان این زندانیان متوجه حاکمیت است. ... «کانون نویسندگان ایران» همچون گذشته خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط اعضای زندانی خود است و مسئولیت بروز هرگونه گزند به سلامت ایشان را به عهده ی حاکمانی می داند که ثابت کرده اند در سرکوب اعضای آزادی خواه کانون مرز نمی شناسند.»

۱۲ تیر

شماری از وکلای دادگستری از اعتصابات کارگران، معلمان، پزشکان و بازنشستگان حمایت کردند. در بیانیه ای که سایت خبری «امتداد» منتشر شد، وکلای دادگستری گفته اند که با وجود افزایش فشارها بر نهاد وکالت و «تلاش برای از بین بردن استقلال» این نهاد، آنها از اصناف دفاع خواهند کرد چرا که به گفته این وکلاء حمایت از حقوق بی پناهان و تاکید بر دادخواهی، وصف جدایی ناپذیر امر دفاع بوده و تعطیل بردار نیست.

۱۵ تیر

«حجت الله رافعی»، معلم و شهروند اهل روستای فرارت، از توابع بخش مرکزی شهرستان شهریار (استان تهران) توسط ماموران اطلاعات سپاه در شهریار بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

۱۹ تیر

«حسین حسن خانی» معلم بازنشسته و فعال صنفی معلمان مهاباد که به علت شرکت در تجماعت صنفی معلمان در سالهای گذشته به سه ماه حبس تعزیری محکوم شده بود، برای اجرای حکم، بازداشت و روانه زندان گردید. شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم کردن حکم صادره، دستگاه قضایی کشور را به استقلال و عدم تأثیرپذیری بدون چون و چرا از نهادهای امنیتی فرا خوانده و با توجه به نامساعد بودن شرایط جسمانی و ناراحتی شدید قلبی و انجام عمل های جراحی پی در پی، خواهان آزادی بدون قید و شرط ایشان شد و اعلام داشت که هر گونه عواقب ناگوار، متوجه دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی کشور است.

۲۱ تیر

«انجمن صنفی معلمان کردستان» (سقز و زیویه) در دفاع از «حسین حسن خانی» معلم بازنشسته آموزش و پرورش مهاباد بیانیه ای منتشر ساخت.

۲۵ تیر

خود در سراسر کشور پیوستند.

کارکنان رسمی پالایشگاه آبادان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در مقابل درب ورودی پالایشگاه، دست به تجمع اعتراضی زدند. پرسنل نیروگاه رامین اهواز نسبت به عدم تامین مطالبات مزدی و دخالت مقامات و شرکت‌های فرادست دست به اعتراض زدند.

۵ تیر

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در دومین بیانیه خود علاوه بر اعلام ایستادگی کارگران بر خواسته‌های خود از مردم و تشکلات کارگری تشکر کرد. در این بیانیه آمده است: «... در آخر حرف و سخن ما با مردم است. تشکر می‌کنیم از هم طبقه ای‌هایمان در نیشکر هفت تپه، و تشکلات و نهادهای کارگری و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان که تا کنون با بیانیه‌های خود ما را حمایت و پشتیبانی کرده‌اند. این همبستگی‌ها بدون شک نقطه قدرتی برای ما کارگران نفت است.»

۶ تیر

دوازده تشکل صنفی مستقل کارگران، معلمان و بازنشستگان حمایت خود را از اعتصاب و همبستگی سراسری کارگران پروژه‌ای و پیمانکاری‌های صنایع نفت، نیروگاه‌ها و پتروشیمی با انتشار بیانیه‌ای اعلام داشتند. در این بیانیه آمده است: «... ایجاد سندیکاها و سایر تشکلات مستقل کارگری، اتحاد و ارتباط میان کارکنان واحدها و مناطق مختلف و وحدت و همبستگی با کارگران رسمی و هوشیاری در مبارزه و شناخت از ترفندهای کارفرما و نهادهای قدرت و همچنین تلاش برای ایجاد صندوق همیاری (کمک به کارگران اعتصابی و خانوادهای آسیب پذیر)، ضرورتی مبرم در استمرار این مبارزه می‌باشد. ما از همه کارگران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، روشنفکران، هنرمندان، خبرنگاران و از همه زنان و مردان زحمتکش و شرافتمند جامعه می‌خواهیم از این حرکت کارگری حق طلبانه پشتیبانی کنند و کارگران اعتصابی را برای دستیابی به خواسته‌هایشان که خواست همه کارگران است، بی دریغ یاری نمایند.»

۷ تیر

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد با انتشار بیانیه‌ای از اعتصاب سراسری کارگران صنایع نفت اعلام حمایت کرد.

کانون صنفی معلمان تهران در حمایت از مطالبات کارگران پیمانکاری و پروژه‌ای صنعت نفت بیانیه‌ای منتشر ساخت.

۱۲ تیر

کارگران واحد ترابری شرکت بهره‌برداری نفت و گاز

زاگرس جنوبی در شیراز، در اعتراض به پایمال شدن حقوق خود در برابر این شرکت، تجمع کردند.

۱۳ تیر

حدود دو هفته از اعتصاب کارگران نفت در بیش از ۷۰ واحد می‌گذرد و با وجود تلاش‌های فراوان برای شکستن اعتصاب، نظیر خالی کردن تانکرهای آب و حذف جیره‌ی غذایی، اعتصاب همچنان با قدرت ادامه دارد.

۱۴ تیر

پیوستن کارگران پروژه‌ای صنایع نفت، پتروشیمی و نیروگاه‌ها به اعتصابات سراسری «کمپین ۲۰-۱۰»، همچنان ادامه دارد و تعداد مراکز کارگری که به اعتصاب پیوسته‌اند به ۸۲ مرکز در بیش از ده استان رسید.

حدود ۱۰۰ تن از کارگران پتروشیمی گچساران توسط شرکت تیام صنعت از شرکت‌های طرف قرارداد پتروشیمی گچساران اخراج شدند. این کارگران طی روزهای گذشته هم‌زمان با کارگران پیمانکاری بسیاری از شرکت‌های وابسته به صنعت نفت، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود دست به اعتراض زده بودند.

کلکتیو سندیکاهای کارگری فرانسه با کارگران اعتصابی در ایران اعلام همبستگی کردند.

اتحادیه کارگران نفت و گاز طبیعی نیجریه در همبستگی با کارگران اعتصابی نفت و گاز ایران بیانیه‌ای منتشر ساخت. اتحادیه صنفی کارگران تولید اتریش در همبستگی با کارگران نفت و گاز و «کمپین اعتصاب ۱۴۰۰» آنها در ایران بیانیه‌ای منتشر ساخت.

اتحادیه کارگران ساختمان، جنگل‌داری، معدن و انرژی استرالیا در همبستگی با کارگران نفت و گاز و «کمپین اعتصاب ۱۴۰۰» آنها در ایران بیانیه‌ای منتشر ساخت.

۱۵ تیر

کارگران آشپزخانه منطقه عملیاتی نفت فلات قاره خاگ در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و با خواست شمولیت طبقه بندی مشاغل همگام با سایر کارگران منطقه دست به تجمع زدند.

۱۶ تیر

شماری از کارگران و کارکنان ارکان ثالث و پیمانکاری شاغل در مراکز مختلف کاری در پارس جنوبی با فراخوان قبلی، در میدان کاکتوس عسلویه تجمع اعتراضی برپا کردند.

کارگران اخراجی پتروشیمی آبادان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان، تجمع اعتراضی برپا کردند.

تشکیلات مرکزی کارکنان صنعتی دانمارک در همبستگی با

کارگران نفت و گاز و «کمپین اعتصاب ۱۴۰۰» آنها در ایران بیانیه ای منتشر ساخت.

۱۷ تیر

در تداوم اعتصابات کارگران صنعت نفت و گاز با پیوستن کارگران مراکز دیگری به اعتصابات سراسری «کمپین ۲۰-۱۰»، تعداد مراکز کارگری که به اعتصاب پیوسته اند به ۹۶ مرکز رسید.

۲۱ تیر

کارگران پیمانکاری پتروشیمی خراسان در اعتراض به وضعیت معیشتی، اختلاف حداقل ۱۵ میلیونی حقوق با پرسنل رسمی، عدم اجرای صحیح طبقه بندی مشاغل و دیگر مطالبات حقوقی خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۲ تیر

«سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» در حمایت از کارگران اعتصابی بخش های مختلف صنعت نفت و پتروشیمی بیانیه ای منتشر کرد که در آن آمده است: «... پیشنهاد می کنیم مهمترین اقدام که می توانید بعد از این اتحاد و همبستگی که خودتان با مقاومت و ایستادگی بدست آورده اید، سندیکاهای مستقل کارگری خودتان را ایجاد کنید تا در دراز مدت حق خواهی، اتحاد و همبستگی شما تداوم داشته باشد و اعتصابات، اعتراضات برای احقاق حقوق تان تضمین گردد.»

۲۳ تیر

حدود ۲۰ نفر از رانندگان خودروهای استیجاری شرکت تکاب صنعت مهر پیمانکار پالایشگاه پنجم مجتمع گاز پارس جنوبی در اعتراض به پایین بودن میزان دستمزد در مقابل درب پالایشگاه دست به تجمع زدند. حدود ۳۰ نفر از کارگران پیمانکاری محکم کار زیرمجموعه جهانپارس در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان تجمع کردند و درب های ورود خروج سایت یک پتروشیمی بوشهر را مسدود کردند.

کارگران پیمانی شرکت جهان پارس شهرستان مهران در ادامه اعتراضات و تجمعات خود، جاده شرکت نفت را بستند.

۲۴ تیر

اتحادیه جهانی اینداستریال در پشتیبانی از کارگران اعتصابی صنعت نفت و پتروشیمی بیانیه ای منتشر ساخت.

۲۵ تیر

بیش از ۶۰ تن از روزنامه نگاران و خبرنگاران در حمایت از اعتصاب سراسری کارگران صنعت نفت، بیانیه ای منتشر ساختند. اتحادیه کارگری شرکت نفت دولتی تایلند حمایت خود را از اعتصاب سراسری کارگران ایران اعلام داشت.

۲۷ تیر

کارگران اعتصابی پروژه های نفتی در شهرهای آبادان، خرمشهر و اصفهان مجمع عمومی تشکیل دادند و با اعلام حمایت از اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای پیمانی نفت، بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواسته ها تاکید کردند. قبلا نیز این حرکت در سپیدانه، چغاخور، فارسان، فولادشهر، آلکوه، اولاد حاج علی در تنگ گندمکار، ایذه، در پروژه نفتی مهران در جهانپارس و هفشجان و ... انجام گرفته بود.

گروهی از کارگران و صنعتگران اعتصابی پروژه های نفتی دهمشت با برگزاری یک تجمع، از تداوم اعتصابات کارگران نفت و پتروشیمی حمایت کردند.

۲۹ تیر

با گذشت یک ماه از اعتصاب سراسری کارگران صنعت نفت و با پیوستن دهها هزار کارگر در ۱۱۴ مرکز پروژه ای به اعتصابات سراسری «کمپین ۲۰-۱۰»، در ۱۵ استان، کماکان کارگران با عزم استوار بر خواسته های به حق خود پافشاری می کنند.

هفت تپه

۶ تیر

کارگران دفع آفات شرکت نیشکر هفت تپه نسبت به عدم تمدید قرارداد های کاری دست به تجمع اعتراضی زدند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حمایت از خواست این کارگران، از کارگران سایر بخش های شرکت درخواست کرد که کارگران دفع آفات بخش کشاورزی را تنها نگذارند و به حمایت از آنان بپردازند.

۱۷ تیر

کارگران بخش دفع آفات شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه با پهن کردن سفره های خالی برای سیزدهمین روز متوالی در اعتراض به تداوم بلا تکلیفی و عدم تمدید قرارداد هایشان دست به اعتصاب زده و در محوطه این شرکت تجمع کردند.

۲۲ تیر

در هجدهمین روز اعتراض و اعتصاب کارگران دفع آفات در نیشکر هفت تپه، نسبت به عدم تمدید قراردادها، کارگران بخش های مختلف شرکت نیشکر هفت تپه، دور جدید اعتصاب خود را با مطالبات زیر آغاز کردند. ۱- پرداخت حقوق معوق کارگران. ۲- بازگشت به کار تمام همکاران اخراجی شده. ۳- تمدید قرارداد تمام همکاران از جمله کارگران بخش دفع آفات. ۴- خروج فوری «اسد بیگی» از شرکت.

۲۳ تیر

دور جدید اعتصاب کارگران بخش های مختلف شرکت هفت تپه در دومین روز با تجمع و سخنرانی نمایندگان کارگران در

حالی ادامه یافت که کارگران دفع آفات نیشکر هفت تپه نوزدهمین روز اعتراض و اعتصاب خود را نسبت به عدم تمدید قرارداد ها پشت سر گذاشتند.

۲۵ تیر

«سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه» با انتشار اطلاعیه هایی همبستگی کارگران هفت تپه با مبارزات دیگر کارگران و مردم اعلام داشت و در حمایت از آنان در بیانیه های خود آورد: «... مطالبات کارگران هفت تپه با خواست دیگر کارگران اعتصابی از جمله کارگران شهر داری ها، کارگران پروژه ای نفت و پتروشیمی و دیگر مراکز کار و تولید و خدمات پیوند ناگسستنی دارد. کارگران هفت تپه در کنار دیگر کارگران در بخش های مختلف کار و تولید از کارگران پروژه ای و پیمانی تا دیگر مراکز کار و کارگاهی و کارخانه ها در مناطق مختلف که دست به اعتراض، تجمع و اعتصاب زده و محل کار را ترک کرده اند پشتیبانی و حمایت می کنند...».

۲۷ تیر

ادامه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در بخش های مختلف همراه با راه پیمایی و تظاهرات، تجمع و سخنرانی در محوطه کارگاه در اعتراض به مطالبات معوقه، حمایت شان را از کارگران اعتصابی نفت و از مردم معترض خوزستان برای بی آبی و مطالبات به حق دیگر اعلام داشتند. «خوزستان بیچاره یه قطره آب نداره! / درود بر کارگر مرگ برستمگر!»

۳۱ تیر

کارگران شرکت هفت تپه در دهمین روز اعتصاب خود در محوطه شرکت دست به تجمع و راهپیمایی زدند و خواستار پرداخت حقوق های معوقه، بازگشت به کار همکاران اخراجی، تمدید قرارداد کارگران بخش دفع آفات، واکسیناسیون کارگران و همچنین تعیین تکلیف وضعیت شرکت پس از اعلام لغو واگذاری شدند کارگران بخش دفع آفات شرکت هفت تپه نیز بیست و هفتمین روز اعتصاب و اعتراض را پشت سر گذاشتند.

بازنشستگان

۶ تیر

بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگان فولاد برای پیگیری موارد قانونی نقض شده در همسان سازی غلط در شهرهای تهران، اهواز، اصفهان، شوش و رشت در مقابل سازمان تأمین اجتماعی و صندوق فولاد تجمع کردند.

در تهران بیش از ۳۰ نفر از بازنشستگان گردهم آمدند که متأسفانه نیروی انتظامی از جمع شدن آنها در مقابل درب تأمین اجتماعی ممانعت به عمل آورد و مجبور شدند با فاصله گفتگوهای خود را پی بگیرند.

بازنشستگان هواپیمایی هما در اعتراض به بی توجهی و عدم پاسخگویی مسئولان به مطالبات بر حق آنان مقابل درب ورودی هواپیمایی هما دست به تجمع زدند. ولی به جای دریافت پاسخ مناسب، نیروی انتظامی مقابل تجمع کنندگان به صف شد.

۷ تیر

بازنشستگان صداوسیما در اعتراض به دریافتی پایین، اجرا نشدن همسان سازی، ناکارآمدی بیمه ی درمانی و سختی گذران زندگی در مقابل صدا و سیما تجمع کردند.

۹ تیر

براساس اعلام قبلی، بازنشستگان شرکت واحد در مقابل اداره مرکزی «شرکت واحد اتوبوسرانی تهران» در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع زدند.

۱۳ تیر

بازنشستگان تأمین اجتماعی در سه شهر اهواز، شوش و خرم آباد در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست هایشان در مقابل اداره ی تأمین اجتماعی دست به تجمع زدند و در اصفهان، خوزستان، اهواز و تهران نیز بازنشستگان فولاد نسبت به وضعیت بد و نامناسب بیمه و درمان بازنشستگان ذوب آهن و همسان سازی ناعادلانه در مقابل صندوق فولاد شهرهای خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۰ تیر

جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی شهرهای رشت و اهواز مقابل کانون بازنشستگان شهرهای خود تجمع کردند. معترضان خواهان اجرای صحیح ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی با احتساب تورم بیش از ۴۰ درصدی سه ماه ابتدای سال، شدند.

۲۷ تیر

بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در تهران، قزوین، تبریز، اراک، اصفهان، رشت، مشهد و اهواز طبق فراخوان قبلی در مقابل ادارات تأمین اجتماعی و صندوق های بازنشستگی شهر خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. و علیه جمع آوری امضاء توسط نمایندگان مجلس برای حذف همسان سازی از بودجه کشور شعارهایی سردادند.

فرهنگیان

۷ تیر

جمعی از قبول شدگان آزمون استخدامی که اصطلاحاً کارنامه سبز نامیده می شوند در اعتراض به عدم استخدام از سوی آموزش و پرورش برای دومین روز متوالی مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند.

۸ تیر

۱۷ تیر

کارگران شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و ۱۰ ماه بیمه خود، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. روزهای شنبه و یکشنبه قبل نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست به تجمع و راهپیمایی زده بودند که به دنبال اعتصاب این کارگران کوچه‌های این شهر مملو از زباله شده است. «گر تو دو روزی ندهی تن به کار / یک‌سره نابود شود روزگارا»

۱۹ تیر

کارگران شهرداری کوت عبدالله در اعتراض به معوقات مزدی و عدم پرداخت حقوق خردادماه، از اولین روزهای تیرماه دست از کار کشیده‌اند.

۲۱ تیر

کارگران شهرداری اهواز به دلیل عدم تعیین وضعیت شغلی و عدم پرداخت ۴ ماه مزایای حداقلی و حق بیمه خود، برای چندمین بار دست به اعتراض و راهپیمایی زدند.

۲۲ تیر

کارگران شرکتی شهرداری پلدختر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه در چند ماه گذشته دست به تجمع زدند.

جمعی از نیروهای رسمی شرکت آب و فاضلاب اهواز، در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و مطالبات بیمه‌ای، برای دومین روز متوالی در محل نمازخانه این شرکت دست به تجمع زدند.

۲۸ تیر

گروهی از کارگران اخراجی شهرداری منطقه دو شهر اهواز در راستای مطالبات حقوق قانونی و بازگشت به کار، مقابل شهرداری مرکز تجمع و خواهان رسیدگی شهردار و شورای شهر به موضوع شدند.

کادر درمان و بهداشت

۶ تیر

پرسنل بیمارستان امام خمینی کرج در راستای احقاق حقوق و مطالبات خود در مقابل استانداری البرز تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۸ تیر

پزشکان و دانشجویان پزشکی در تهران، شیراز، کرمان، کرمانشاه، همدان، تبریز، سنج، یاسوج و اصفهان در اعتراض به پایمال شدن حقوق خود تجمع کردند.

۱۳ تیر

تجمع نیروهای شرکتی مرکز بهداشت با مطالبات تبدیل

گروهی از استادان دانشگاه آزاد در اعتراض به دریافت دستمزد های زیر خط فقر در مقابل مجلس در تهران دست به تجمع زدند.

آموزگاران مدارس خصوصی (غیر انتفاعی) در اعتراض به دریافتی کم و وضعیت ناپایدار شغلی و با خواست استخدام، در مقابل مجلس تجمع برگزار کردند.

کارکنان خدماتی آموزش و پرورش در برابر اداره ی کل آموزش و پرورش مشهد، در اعتراض به دریافتی کم، سختی گذران زندگی و شرایط شغلی خود تجمع کردند.

۱۲ تیر

بست نشینی و تحصن شبانه روزی پذیرفته شدگان آزمون استخدامی آموزش و پرورش (کارنامه سبز ها ۹۹) همراه با خانواده هایشان در برابر وزارت آموزش و پرورش تهران، در اعتراض به استخدام نشدن ادامه یافت و هفتمین روز خود را پشت سر گذاشت.

کانون صنفی معلمان تهران در حمایت از تجمع اعتراضی فارغ التحصیلان دانشگاهی، ملقب به کارنامه سبزها بیانیه ای منتشر کرد.

۲۷ تیر

معلمان دارای مدرک دکتری در اعتراض به عدم اعمال و برخورداری از مزایای مدرک تحصیلی خود، مقابل مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان همترازی با اعضای هیئت علمی دانشگاه شدند.

شهرداری

۲ تیر

کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران، برای احقاق حقوق خود در مقابل شهرداری و شورای شهر در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.

۷ تیر

کارگران شهرداری اهواز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود دست به تجمع زدند.

۱۰ تیر

کارگران شهرداری بیجار در استان کردستان پنجمین روز اعتراض خود را؛ به عدم دریافت دست کم سه ماه حقوق و حدود ۱۰ ماه اضافی کاری، پشت سر گذاشتند و از جمع‌آوری زباله‌ها خودداری می‌کنند. این کارگران صبح شنبه ششم تیر ماه نیز، در مقابل ساختمان شورای شهر بیجار تجمع کرده بودند.

رانندگان استیجاری آمبولانس‌های ویژه‌ی حمل جنازه واحد رحمت وابسته به سازمان آرامستان‌های شهرداری تبریز، در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق، دست به اعتصاب زدند.

وضعیت، همسان سازی و افزایش حقوق و مزایا مقابل وزارت بهداشت

۱۴ تیر

بیش از ۱۰۰ نفر از نیروهای شرکتی پایگاه‌ها و مراکز خدمات جامع سلامت استان قم با خواسته‌ی اجرای طرح تبدیل وضعیت استخدامی خود با سفر به تهران مقابل ساختمان وزارت بهداشت و مجلس تجمع کردند.

۱۵ تیر

تجمع اعتراضی کادر درمان تامین اجتماعی در اعتراض به عدم همسان سازی احکام حقوقی و تاخیرهای طولانی مدت در صدور احکام و همچنین عدم اجرای قانون مشاغل سخت در مقابل سازمان تامین اجتماعی تهران برگزار شد.

۱۹ تیر

گروهی از کارکنان شرکتی پایگاه‌ها و مراکز خدمات جامع سلامت استان قم، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در محوطه دفتر نماینده مردم قم تجمع کردند.

۲ تیر

کارگران گروه ملی فولاد با انتشار اطلاعیه‌ی ای پرونده سازی و اخراج کارگران را محکوم ساخت. در این اطلاعیه آمده است: «از ابتدای امسال مدیریت فاسد گروه ملی صنعتی فولاد، دست در دست عوامل امنیتی شروع به پرونده سازی مجدد علیه تعدادی از فعالان کارگری گروه ملی فولاد نموده و از گوشه و کنار شرکت شنیده می‌شود که همکاران شریف ما را جهت بازجویی‌های موقت به دستگاه‌های اطلاعاتی می‌کشانند. صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز برای محو کردن شبیح سرکوب در این شرکت تلاش خواهد کرد. ما خواهان بازگشت بکار همکاران اخراجی و شفاف سازی درباره بازداشت‌های اخیر و آزادی بدون قید و شرط بازداشت شدگان هستیم»

کارگران شرکت سیمان سپاهان اصفهان، برای دومین روز، در مقابل ساختمان فرمانداری شهرستان مبارکه تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار پرداخت مطالبات عقب‌افتاده خود شدند.

۱۵ تیر

شماری از کارگران نگهداری خط ۵ متروی تهران برای چندمین بار به نشانه اعتراض به محقق نشدن وعده‌های داده شده از سوی مسئولان دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۹ تیر

شماری از کارگزاران مخابرات روستایی خراسان رضوی که از شهرهای مختلف این استان به مشهد آمده بودند، در اعتراض به

تبعیض حاکم در مخابرات، مقابل ساختمان مرکزی اداره کار این استان واقع در مشهد، تجمع برگزار کردند.

۲۳ تیر

جمعی از رانندگان تانکر و کامیونهای حمل مواد سوختی در اعتراض به نرخ پایین کرایه‌ها و عدم توانایی تأمین هزینه‌ها در گمرک پرویزخان اعتصاب کردند.

کشاورزان و دامداران

۶ تیر

گروهی از دامداران از شهرهای یزد، شیراز، مشهد، اصفهان، گناباد و قوچان در برابر سازمان جهاد کشاورزی شهرهای خود، در اعتراض به گرانی و کمیبی روزافزون نهاده‌های دامی و قیمت پایین محصولات دامداری دست به تجمع زدند.

۷ تیر

کشاورزان اصفهان برای مطالبه حقه‌ی زاینده رود در مقابل اداره آب فاضلاب پل خواجهو تجمع اعتراضی برگزار کردند. کشاورزان در اعتراض به باز نشدن آب زاینده رود قصد جوشکاری درب اداره کار را داشتند. این کشاورزان می‌گفتند: «وقتی که رودخانه آب ندارد، ما سازمان آب نمی‌خواهیم». یکی از کشاورزان در تایید این کار می‌گفت: «در این خانه فساد را می‌خواهیم جوش بدیم! حق ما رو اینها بردند!»

دامداران امروز از جمله در شهرهای یزد، شیراز، مشهد، همدان، اصفهان تجمع اعتراضی برپا کردند. دامداران در این تجمع‌ها به محدودیت تعیین شده از سوی دولت در قیمت شیر اعتراض کردند.

۱۲ تیر

کشاورزان در برابر شرکت آب و فاضلاب شهرستان حمیدیه (خوزستان)، نسبت به قطع آب کشاورزی، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

عده‌ای از فعالین محیط زیست و مردم محلی در اهواز در اعتراض به بستن آب تالاب هورالعظیم به دست وزارت نیرو، در مقابل سازمان آب و برق خوزستان دست به تجمع زدند.

۱۳ تیر

کشاورزان اصفهان باز هم در مقابل سازمان آب این شهر دست به تجمع زدند که این بار با خشونت نیروهای سرکوب مواجه و چندی از آنان زخمی شدند.

تجمع دامداران تکاب (آذربایجان غربی) به همراه گاوهایشان در مقابل فرمانداری در اعتراض به گرانی و کمیبی نهاده‌های دامی.

تجمع کشاورزان شوش مقابل فرمانداری این شهرستان در پی ابلاغیه‌ی عدم کشت تابستانه.

۱۴ تیر

مقابل فرمانداری تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان در خصوص وضعیت تولید شیر شدند. کشاورزان اصفهانی در داخل ساختمان اداره آب، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تظاهرات مردم خوزستان در اعتراض به بی آبی برای پنجمین شب متوالی ادامه یافت. روزهای قبل مردم در شهرهای حمیدیه، شوش، خرمشهر، ماهشهر، قلعه کنعان، بستان و شادگان در اعتراض به بی آبی به خیابان‌ها آمدند. همچنین شب گذشته مردم در مناطق مختلف اهواز از جمله کوت عبدالله، زویه و زرگان در اعتراض به بی آبی تظاهرات کردند. آنها شعار می‌دادند «جان و خون‌مان فدای کارون» «جان و خون‌مان فدای اهواز»

۲۹ تیر

ششمین شب تظاهرات مردم خوزستان برگزار شد، تجمع مردم ایذه به درگیری با نیروی انتظامی و گارد ضدشورش منجر شد. بعد از حمله سنگین نیروهای امنیتی، مردم شعار دادند «توپ تانک فشفه، خامنه‌ای کشته شه»، بختیاری با عرب، اتحاد اتحاد».

تشکلات مستقل کارگران، معلمان، بازنشستگان و با انتشار بیانیه‌های مشترک و جداگانه ضمن حمایت از مردم جان به لب رسیده خوزستان، اعمال سرکوب گرانه و سیاست‌های ضد مردمی نظام سرمایه داری اسلامی را محکوم ساختند. ادیبان، نویسندگان، هنرمندان و ورزشکاران مردمی و اقشار و گروه‌های مختلف مردم نیز با محکوم ساختن سیاست‌های نابخردانه حکومت و رفتار سرکوب گرانه نیروهای امنیتی و انتظامی در کنار مردم خوزستان قرار گرفتند.

۳۰ تیر

از هفتمین شب اعتراضات مردم خوزستان نسبت به بی آبی، مردم حداقل ۳۰ شهر و شهرک کشور در دفاع از خوزستان، به خیابان آمدند. تظاهرات در سوسنگرد، بهبهان، یزدانشهر اصفهان، گناوه، رامشیر، الهایی، لردگان، ماهشهر، خورموسی، بهبهان، ایذه، شادگان، بوشهر، خرمشهر، شوش دانیال، دزفول، روستای بیت کیوش، کرمانشاه، ازنا، کرج، غرب تهران و ... و در اهواز در مناطق کوی علوی، دغاغله، زرگان، حی الدائرة، ملاشیه، عرب حسن، عین ۲، شیپان و العین صورت گرفت.

۳۱ تیر

در پی اعتراض مردم خوزستان به بی آبی، در شهر الیگودرز مردم در پارک کنار هواشناسی اقدام به تجمع کردند. شهر الیگودرز با شجاعت وارد صحنه شد. جوانان الیگودرز با بستن راه‌ها و روشن کردن لاستیک اعتراضات خود را شروع کردند.

شهرهای بزرگ تهران، اصفهان، تبریز، اردبیل و ... به دفاع از خوزستان به تظاهرات و تجمعات اعتراضی پیوستند. ایران یک صدا به تنی واحد در دفاع از خوزستان تبدیل شده است. جوانان و پیران، زنان و مردان، همه و همه متحد و با روحیه‌ای قوی به صف شده‌اند. ولی آنچه بیش از هر چیزی خودنمایی می‌کند، نبود تشکیلی واحد و سراسری است. تشکلات مستقل و مبارز می‌بایست متحد و یکپارچه شوند. نیروها و افراد مبارز، آگاه و انقلابی می‌بایست تحت رهبری تشکیلی واحد درآیند تا تلاش همگانی به نتیجه رسد. رمز پیروزی در اتحاد است.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است! •

تجمع کشاورزان خشمگین در شرکت آب و فاضلاب اهواز در اعتراض به غصب حقابه‌ی کشاورزی به دست وزارت نیرو و قطع آب آشامیدنی مردم.

۱۶ تیر

تجمع مسالمت آمیز کشاورزان اصفهانی در اعتراض به بی آبی با دخالت نیروی انتظامی به خشونت کشیده شد.

۱۹ تیر

جمعی از کشاورزان و دامداران منطقه هویزه در اعتراض به وضعیت بی آبی هورالعظیم و تلف شدن گاومیش‌ها و ضرر و زیان و خسارات به بار آمده برای آنها، مقابل استانداری خوزستان تجمع اعتراضی برگزار کردند. سیاست حاکم بر منابع آبی، کشور را به جایی رسانده است که به گفته «عیسی کلانتری» کشور وارد مرحله ورشکستگی آبی شده است. درحال حاضر

شهر در شرایط قرمز بی آبی ۱۰۱ شهر در شرایط تنش آبی قرار دارند. و نزدیک به ۷ هزار روستا با تانکر آب داده می‌شود.

۲۴ تیر

تعداد کثیری از مردم ملاثانی در شمال اهواز، جاده اهواز-شوشتر را در اعتراض به بی آبی بستند.

مردم معترض در شهرهای حمیدیه، شوش، خرمشهر، بستان، ماهشهر، قلعه کنعان، شادگان و مناطقی از اهواز در اعتراض به قطعی آب تظاهرات نمودند و مأموران امنیتی برای مقابله با معترضین به شلیک گاز اشک آور و تیراندازی هوایی اقدام کردند.

۲۵ تیر

مردم در اعتراض به بی آبی و خشک شدن رودخانه‌ها اقدام به بستن جاده مواصلاتی اهواز - شوش - اندیمشک کرده و جلوی تردد خودروها را گرفته‌اند.

مردم شهر سوسنگرد در اعتراض به بی آبی برای دومین شب متوالی به خیابانها آمده و تظاهرات گسترده‌ای را آغاز کردند.

۲۶ تیر

در تظاهرات روز گذشته سه تن از جوانان خوزستانی جان باختند. اسامی جان‌باختگان «علی مزرعه» اهل زویه اهواز «مصطفی نعیم‌اوی» اهل شادگان «وقاسم خضیری اهل کوت عبدالله» می‌باشند. مردم خوزستان سومین شب اعتراضات سراسری به کمبود آب را با برگزاری تظاهرات در اهواز و شهرهای مختلف خوزستان پشت سر گذاشتند.

مردم و جوانان شهر سوسنگرد برای سومین شب متوالی در اعتراض به بی آبی اقدام به بستن جاده اهواز سوسنگرد کردند.

۲۸ تیر

دامداران نیشابور برای دومین بار طی چند روز گذشته در اعتراض به قیمت شیر و احتکار علوفه و گرانی نهاده‌های دامی



فقر و گرسنگی محصول سیستم سرمایه داری

سازمان «آکسفام Oxfam»، که یکی از بزرگترین سازمان‌های بین‌المللی کمک‌رسانی برای «ریشه کن» کردن فقر و گرسنگی در جهان و متشکل از ۱۵ سازمان در ۹۸ کشور دنیا و مستقر در «لندن» است، طی گزارشی خبر داد که در هر دقیقه ۱۱ نفر در جهان در اثر گرسنگی جان‌شان را از دست می‌دهند و این تعداد از تلفات ویروس کرونا بیشتر است زیرا که مرگ بر اثر «کرونا» ۷ نفر در دقیقه گزارش شده است!

مرگ و میر در اثر بلایای طبیعی، مانند زلزله، سیل، آتشفشان و انواع بیماری‌های کشنده همچون طاعون، وبا، سل، سرطان، انفولانزا و کرونا و غیره، ناشی از عملکرد کور طبیعت است که دانش بشری با شناخت کارکرد و ساختار بیولوژیک آنها می‌تواند میزان خسارت و تخریب آن بکاهد و حتی بر آنها فائق آید.

اما نیروهای مخرب اجتماعی، مثل جنگ، فقر، گرسنگی، بیکاری، گرانی، احتکار، کشتار و شکنجه، ترویج موادمخدر، غارت ثروت‌ها، تسلط بر کشورها و استثمار و بهره‌کشی انسان‌ها و غیره، ناشی از سیاست‌های نظام سرمایه داری حاکم بر جهان است که «خدایی» غیر از پول نمی‌شناسد و برای کسب هر چه بیشتر سود، دست به جنایاتی می‌زند! در اعمال چنین جنایاتی، تفاوت چندانی بین نظام پیشرفته سرمایه داری در غرب و نظم سرمایه داری مفلوک، عقب افتاده و تامل‌ناخواسته فاسد و ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران، نیست!

بر اساس گزارش «انستیتی بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم سوئد»، در سال ۲۰۱۷ کشورهای امپریالیستی غرب

به سرکردگی آمریکا، یک تریلیون و هفتصد و سی و نه میلیارد دلار صرف جنگ افروزی در جهان، بویژه در خاورمیانه کردند، میلیون‌ها انسان بیگناه را قتل عام نمودند و چندین میلیون انسان را هم آواره از سرزمین مادری! این در حالیست که برای ریشه کن کردن گرسنگی و فقر، در پنج قاره، تنها به ۱۳۵ میلیارد دلار نیاز بود!

جنگ و کشتار، کودتا و توطئه و حمایت از منفورترین، ارتجاعی‌ترین و وطن‌فروش‌ترین حکومت‌ها و نیروهای ضدبشری، در ذات سیستم سرمایه داری است که خود بزرگترین و خطرناکترین نیروی مخرب اجتماعی جهان بشمار می‌رود! تبعیض و بی‌عدالتی در توزیع ثروت سرچشمه ی فقر و گرسنگی است که در بطن نظم سرمایه داری نهفته است.

سوسیالیست‌های واقعی، نه آنانی که بقول حافظ: «چون به خلوت می‌روند، آن کاردیگری می‌کنند»، بدنبال تغییر چنین نظم ناعادلانه در جهان هستند. آنها برای استقرار سوسیالیسم، که از نظر اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت هزاران بار انسانی‌تر از سرمایه داریست، از جان‌مایه می‌گذارند و پیوسته با تلاش جانفروسی در پی مقصود خود و زندگی بهتر برای آیندگان‌اند. آنها به خوبی از ناکارآمدی سرمایه داری، از نابرابری‌های ظالمانه آن و از تخریب طبیعت و محیط زیست آگاهند! آنها همواره در تلاشند تا کارگران و زحمتکشان و نیروهای عدالت‌خواه میهن خود را در سازمان ویا در تشکیلاتی منسجم و انقلابی متشکل سازند تا بساط ظلم و بی‌دادگری را بدون دخالت اجنبی از ریشه برکنند.

آنها به درستی می‌دانند که تنها سوسیالیسم می‌تواند بشریت را از رنج و تباهی نجات دهد.

کشاند و ارکان زندگی زن و مرد تونس را تخریب کرد. ۴- حزب کارگران تونس بر این باور است که نمی‌شود با حمایت از کودتای قیس سعید یا اتحاد بهر شکلی با «جنبش النهضة» تغییر مطلوب را به‌دست آورد. فقط مردم تونس قادرند این تغییر را با هدف ایجاد یک دموکراسی مردمی، در چارچوب یک وضعیت مدنی، جایی که قدرت با مردم است، بر اساس حاکمیت کشور بر ثروت و امکانات و تصمیمات سیاسی، و بر اساس عدالت اجتماعی و برابری بین شهروندان زن و مرد بوجود آورند.

۵- حزب ما از مردم تونس می‌خواهد که به بیان صلح آمیز خواست‌های خود ادامه دهند و درخواست برخورد و رودروئی را که توسط جناح‌های قدرت تشویق شده و توسط قدرت‌های منطقه ای و بین‌المللی حمایت می‌شود، رد کنند. ما مردم را فرامی‌خوانیم تا در مورد اهداف واقعی طرفداران رژیم قدیمی که در دولت نفوذ کرده‌اند و در مورد مافیای مالی و قاچاق هوشیار باشند. ۶- «حزب کارگران تونس» همه نیروهای دموکراتیک و مترقی، احزاب، انجمن‌ها، شخصیت‌ها را فرا می‌خواند که فوراً در یک تجمع گرد آیند تا مکانیسمی برای مشورت و تبادل نظر بوجود آورند و یک چشم‌انداز مشترک برای مواجه شدن با این تحولات خطرناک و پی‌آمدهای آن مدون کنند: تحولاتی که می‌تواند کشور را به گرداب خشونت و درگیریهای داخلی بکشاند و یا آنکه مجدداً یک نظام استبدادی مطلقه که مردم تونس برای خلاص شدن از آن فداکاری‌های عظیمی انجام دادند مستقر کند.

حزب کارگران تونس
تونس، ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۱

ترجمه و تکثیر از روابط خارجی حزب کارایران (توفان) •

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم



بیانیه حزب کارگران تونس در مورد تحولات اخیر

برگشت روند انقلابی به کشور با کودتا و رژیم استبدادی حاصل نمی‌شود

«حزب کارگران تونس» مدت‌هاست که در مورد خطراتی که کشور ما را تهدید می‌کند، از جمله کودتاها و خطر گرفتار شدن در حلقه خشونت، به مردم هشدار داده است.

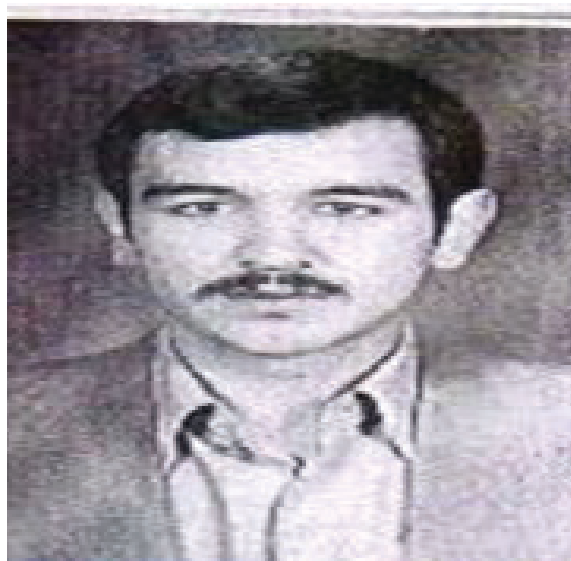
۱- حزب کارگران اعلام می‌کند که بیانیه‌های رئیس‌جمهور «قیس سعید»، که بر اساس چندین نشانه که می‌توان مهم‌ترین آنرا ورود نهاد نظامی به درگیری بین جناح‌های حاکم ذکر کرد قابل پیش‌بینی بود، از نظر قانونی نقض آشکار قانون اساسی مورد تصویب خود و مفاد ماده ۸۰ آن است، و از نظر سیاسی اقداماتی ضد دموکراتیکی هستند که فعالیتهای او را برای به‌دست گرفتن همه ۳ قوه مجریه، قانونگذاری و قضایی شکل می‌دهند و زمینه را برای استقرار مجدد یک سیستم مطلقه فراهم می‌کنند.

۲- این نقطه عطف، بیانگر مرحله جدیدی است که شرایط بحرانی موجود در کشور را وخیم‌تر کرده و خطر افتادن وضعیت به دایره خشونت و تروریسم را دربر خواهد داشت.

۳- حزب ما تأکید می‌کند که مردم تونس برای نجات کشور از بحران عمومی و عمیق که ناشی از انتخاب‌های ارتجاعی دهه گذشته است، به یک تغییر فوری و بنیادی نیاز دارند. ما خواست خود برای سرنگونی تمامیت نظام شامل دولت، ریاست جمهوری و پارلمان را تجدید می‌کنیم. این نهادها مسئولیت این وضعیت بحرانی را بدوش می‌کشند، به ویژه رهبری «حزب النهضة» که کشور را به یک فاجعه اقتصادی و ورشکستگی مالی کشاند و فساد، تروریسم و ترورهای سیاسی را پرورش داد و کشور را به منجلا ب وابستگی و قرض

یادش گرامی باد!
هیات تحریریه

این قامت رشید به خون تپیده
این نوگل پرپر شده
این یار خاطر جعفر نژاد دلاور
رفیق نادر رازیست
که اینک در توفان سرود و حماسه ها
حماسه میافریند
این یل خراسان سلف ابومسلم و سرداران و پسیان
این رفیق نادر رازیست
که در سیاهی شب ایران
از آسمان غمزده و پرستاره ما فرو افتاده است



به مناسبت چهلمین سالگرد جانباختن رفیق نادر رازی

کارگزار زنده توفانی

کسانی که تاریخ را به پیش می‌برند توده‌های میلیونی رنج و کار هستند و این نیروی رزمنده را هیچ خاموشی نیست. اما گاه کسانی پیدا می‌شوند که با زندگی خویش تاریخ می‌نویسند و مرگشان نیز نقطه سرخی در تاریخ است. رفیق «نادر رازی» نیز از آنجمله افراد بود.

رفیق «نادر رازی» زندگی سیاسی خویش را از اوایل سال ۵۶ با آشنایی با متون مارکسیستی - لنینیستی و مطالعه آنها آغاز نمود، اهتمام وافر وی در شناخت علم قوانین تکامل جامعه بزودی وی را به یک کادر ورزیده سیاسی و آگاه مبدل نمود، آنچنان که با آغاز سال ۵۷ سال خونین انقلاب، رفیق از چهره های فعال و بمثابة یک نیروی زوال ناپذیر شناخته شد. پخش اعلامیه، روشنگری در میان توده‌ها، سازماندهی تظاهرات، تسخیر شهربانی و رفیق را برای جذب خصائل یک رهبر نوین برای توده‌ها و برای بعدها آماده ساخت. رفیق بعد از انقلاب همکاری خویش را با گروه‌های چپ آغاز نمود و سپس به همت وی و چند تن دیگر «انجمن فعالیت مشترک دانشجویان و دانش آموزان بجنورد» تشکیل شد. وی از همان ابتدا بر علیه حزب توده مزدور موضع گیری قاطعی داشت. سخت گیری و تاکید او بر روی نقطه نظرات سیاسی خویش و بعلاوه بیانات منطقی و برنده او در مقابل تمامی اپورتونیست‌ها باعث شد تا او حزب پرافتخار کار ایران (توفان) را به عنوان تشکیلات پرولتاریایی ایران بپذیرد و اندکی بعد رفیق نادر به همراه سایر رفقا به تاریخ اردیبهشت سال ۵۸ کمیته ولایتی بجنورد را پایه گذاری کرد و از آن پس است که زندگی حزبی رفیق آغاز میگردد. رفیق نادر از فهم سیاسی بسیار بالا و توانایی فراوانی در تبلیغ و ترویج و جلب افراد برخوردار بود. هم اکنون بسیاری از رفقای ما زندگی حزبی خویش را مدیون تلاشهای

مردم ایران قهرمانان خود را می‌سازند و علیرغم میل پارهای اپوزیسیون خجول و رفرمیست و سازشکار، به ویژه در خارج از کشور، این کار را در آینده نیز خواهند کرد. این مردم ایرانند که از آنها که در زندان‌ها مقاومت کرده‌اند پرچم می‌سازند و قهرمان می‌پرورند، زیرا در مقاومت آنها، مقاومت خود را، امید به پیروزی خود را، ضعف دشمن را، شکست وی را در مقابل مقاومت مردم می‌بینند که مرگ را به هیچ می‌گیرند. رفیق «نادر رازی» یکی از هزاران قهرمان ایران است که در زندان جمهوری اسلامی حماسه آفرید، شکنجه را به هیچ گرفت و به جلادان جمهوری اسلامی و تمام دستگاه کثیف و سرکوب اسلامی تف ریخت و از حزبش و آرمان پرولتاریا قاطعانه دفاع نمود.

ملت‌های جهان در مبارزه خود برای زندگی بهتر همواره با دشمنان آزادی و استقلال، با بهره کشان و همدستان آنها مبارزه کرده‌اند و در این مبارزه سرنوشت مبارزان از شباهت‌های فراوانی برخوردار است. آن‌ها نیز چون ما تکیه بر سنت‌های انقلابی مردمشان می‌گذارند تا الهام بخش نسل جوان باشد. یاد نامه زیر در تابستان ۱۳۶۰ توسط کمیته مرکزی حزب کار ایران (توفان) در ایران منتشر شد و اینک آن را بمناسبت چهلمین سالگرد جانباختن رفیق جوان و دلاور حزبمان «نادر رازی» به چاپ می‌رسانیم و یاد او و تمامی جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی می‌داریم.

پیگیرانه رفیق در توضیح مارکسیسم - لنینیسم و مواضع حزب می‌باشد.

رفیق معتقد بود که یک کمونیست باید به‌تواند با خصوصیات توده‌های کارگر از نزدیک آشنا گشته و زندگی و کردار را نمونه زندگانی یک کارگر آگاه و انقلابی گرداند و او که کارگر جوشکار بود و از بام تا شام با این طبقه سرو کار داشت، توانسته بود تمامی استعدادها و خصلتهای عالی این طبقه را در خویش جمع گرداند. او کارگری بود که توانسته بود در تشکیل بسیاری سندیکاها کارگری مؤثر باشد. پشتکار رفیق در ایجاد و گسترش تشکیلات کارگری که باعث نمایشات با شکوه اول ماه مه در بجنورد گردید و هنوز هم بسیاری از کارگران بجنوردی سخنان دلنشین رفیق نادر را به گوش دارند که آنها را به اتحاد و شکل و مبارزه برای برقراری حکومت زحمتکشان فراخواند. رفیق بر این اعتقاد بود که «اگر رفیقی بخواهد بعنوان یک کارگر شایستگی خود را در میان کارگران نشان دهد باید از عهده کارهای سنگین برآید و با زندگی بیامیزد تا آنها را آگاه به منافع طبقاتی خویش نماید.»

با فرارسیدن جنگ ایران و عراق رفیق نادر بنا بر رهنمود حزب داوطلبانه رهبری یکی از گروه‌های اعزامی به جبهه جنگ برای دفاع از میهن را بر عهده گرفت و با اعتقاد باینکه «حزب ما باید هر چه بیشتر در صحنه مبارزات اجتماعی شرکت کند و تا تاریخ زندگی سراسر مبارزه حزب، با قهرمانی‌ها و دل‌آوری‌های ما نگاشته نشود، ما نمی‌توانیم در میان توده‌ها جای واقعی خویش را بیابیم و از حمایت آنان برخوردار گردیم» رفیق دومه تمام با ایثارگریهای بسیار برای دفاع از سرزمین رنج و کار کوشید.

رفیق نادر رازی در ۲۱ خرداد ماه ۱۳۶۰ به اتهام شرکت در تظاهرات با شکوه مردم بجنورد در دفاع از آزادی به‌همراه ۱۱ تن دیگر دستگیر و در زندان‌های بجنورد و شیروان زندانی شد. رفیق چهارماه و ۱۰ روز در زیر شکنجه طاقت فرسای رژیم حاکم بر ایران مقاومت کرد.

رفیق نادر به‌همراه سایر زندانیان به مدت یک‌هفته برای اعتراض به رفتار دد منشانه پاسداران اعتصاب غذا نمودند. رفیق بخاطر این اعتصاب و شکنجه‌های پاسداران خونریزی معده کرد و به بیمارستان منتقل شد. پس از آن زندانیان را به زندان وکیل آباد مشهد منتقل نمودند. رفیق تا واپسین لحظات حیات از داخل زندان با پیام‌هایش رفقاییش را تشویق به پایداری و ادامه مبارزات برحق حزب می‌نمود.

یکی از رفقای هم‌بندش چنین از او یاد می‌کند:

«از لحظه اول دیدار، همه تجربه بود و عشق و ایمان، همه درس بود، درس‌هایی از ۲۱ بهار زندگیش در زحمت و رنج که بیدریغ

به دیگرانش می‌بخشد. چه خوشبخت رفقای که با او بودند پیش از من و همه حسرت‌م از آن بود که چرا زودتر ندیدمش و کینه‌ام افزون که جلاد از وحشت، با وحشت، خون سرخش را بر بیابان سرد و ساکت فروپاشید و جشن گرفت. رفتن سرخ نهالی که همه جنگل بود، و غافل از این نهال سرافراز که چه دانه‌ها که نه کاشت؟ چه ثمره‌ها که نداد؟ خون گرمش! همه دوستش داشتند بخاطر انسانیتش، بخاطر ایمانش، بخاطر تسلطش بر لحظه‌ها، و چه راستین و عاشقانه ایستاد که هرگز هیچ حرکت وحشیانه دژخیم غافلگیرش نکرد و هیچ تلاش و تمهید مذبحانه دژخیم خامش نکرد. چنان سریع و روشنگرانه شرایط را تحلیل و اصولی‌ترین راه را پیشنهاد می‌کرد که هیچکس را یارای مخالفت نبود. در تشکیلات زندان روح و جوهر زندگی بخش بود. با رفیق و همراه با وفایش اصغر که همه آرامشش را می‌ستودند و از افتادگی و رفعت قلبش سخن‌ها بود.

این دو رفیق چنان در زندان زنده بودند که مرگشان نیز همه زندگی بود. خوب به خاطر دارم روزهای اول آشنایی با آنها را که رفیق نادر چگونه برای فریب دژخیمان مزدور آدلف خمینی بسیار کم آفتابی میشد و دائما در سلول خود همراه رفیق اصغر مشغول مطالعه قران و کتب دیگر مذهبیون بود. و روزی که برای اولین بار به «دادگاه انقلاب» اعزام شدند و ما دیگر رفیق اصغر را ندیدیم، نزد من آمد و دفترچه کوچکی را همیشه همراه خود داشت به من داد و بعدها دیدم که در این دفترچه لیست آیاتی از قران است که او برای بحث با مذهبیون، آنها را جمع آوری کرده بود و هنگامی که ضعف خودم را در فلسفه برایش گفتم بلافاصله از فردای آنروز با تهیه چند کتاب از کتابخانه برای من و چند تن دیگر که شیفته بیان گرم و شیرینش بودیم، کلاس آموزش فلسفه گذاشت و چه چیزها که در این مدت نیاموختیم.....

چه قلب بزرگ و گرمی داشت این رفیق نادر. و چقدر با رفتنش قلبها به کینه طپید چون قلب من پس از اعدام دسته اول رفقای بجنورد، برای شناساندن آنها به سایر زندانیان و بخاطر علاقه شدیدش به رفقا به هر بهانه‌ای از آنها یاد می‌کرد و آن کاری را که ارگان مرکزی می‌بایست در بیرون انجام دهد، او در درون عمل میکرد و آنجا بود که من برای اولین بار با فداکاری‌ها و ایمان و عشق این رفقا آشنا شدم و امروز نیز هر گاه سرود توفان را زمزمه می‌کنم، تمامی وجودم بیاد او و سخنانش درباره رفقای بجنورد می‌لرزد. پس از اعدام رفیق اصغر پهلوان و دیگر رفقای بجنورد، اندوه پنهانی بر او مستولی گشته بود و باعث میشد که این رفیق در اوج حملات وحشیانه دشمن خلق بر پیکر استوارش در فکر حزیش باشد و آینده آن. در فکر رفقای خویش بود و همه گونه خطری را به جان می‌خرید تا با جمله حتی رفع خطر از وجود

رفقا کند و هنگامی که جلاد نیمه شب با لباس مبدل به سراغش آمد و برای آخرین بار تهدید کرد و رفت، او خونسرد و آرام در وصیت نامه اش نوشت:

افتخار می کند که سرباز کوچکی از ارتش بیکران زحمتکشان بوده، افتخار می کند که در حزب آهنین «کار» آموزش دیده و در صفوف آن به مبارزه با ارتجاع و سرمایه داری ضد بشر پرداخته است. و تقاضا کرد که هدیه اش را، خون سرخ و گرمش را زحمتکشان همه دنیا بپذیرند.

.....آخرین روز نیز همه شور و غوغا بود، چه اشکها که بدن داغش از کینه را خیس نکرد و من تنها و مبهوت به او که آخرین گام های هستی اش را مردانه و استوار برمیداشت، مینگریستم و فقط نگاهی و بدرودی و تنها سخنی که: «یادت باشد ما می رویم ولی شما باید ادامه دهید» و رفت، گرم و خونین و من باز هم او را نگریستم و خواندم:

مرغان پرکشیده توفان که روز مرگ دریا و موج و صخره برایشان گریستند

و چنین بود که رفیقمان را به بیدادگاه رژیم جلاد سپردند. رفیق «نادر رازی» در بیدادگاه رژیم از ایدئولوژی خود، از خط مشی خود و از مردم ستمدیده ایران دفاع نمود. رفیق خطاب به رئیس بیدادگاه چنین گفت: «مبارزه ما و شما دنیای نو و کهنه است. تاریخ تودها و مبارزات طبقاتی به ما آموخته است که کهنه زوال یابنده و نو پیروز است. شما حافظ نظام کهنه هستید و به خیال خودتان با تیرباران من و امثال من خواهید توانست چند صبحی به حکومت ننگین خود ادامه دهید. آیا رفقای من «داریوش انصاری»، «مسعود نائینان»، «اصغر پهلوان» و «شاهرخ اسفراینی» که مرداد و شهریور بدست دژخیمان شما تیرباران شدند، با شما مبارزه مسلحانه کرده بودند؟ خیر، آنها اسلحه نداشتند ولی در عوض یک چیز قوی تر از اسلحه داشتند و آنهم افکار مترقی و نوین آنها بود، آنها طرفدار روشنایی، طرفدار خورشید، یعنی طرفدار زحمتکشان، آنها صاحبان واقعی جهان بودند. آنها با تاریک اندیشی و با ظلم و ستم مبارزه می کردند. آنها دشمنان واقعی و سرسخت امپریالیستها بودند.»

اتهام رفیق نادر دفاع از آزادی، عشق به مردم زحمتکش و ستمدیده ایران و جهان و دفاع از استقلال میهن عزیزمان ایران و عضویت در حزب پر افتخار کار ایران (توفان) بود.

رفیق نادر از خود دفاع نمی کرد، او از آرمان های حزبش و مردم ستمدیده ایران دفاع می نمود. در بیدادگاه رفیق نادر و ۷ تن دیگر از زندانیان انقلابی بنحورد از جمله رفیق «اصغر پهلوان» محکوم به اعدام شدند. حکم در مورد آنان اجرا شد.

رژیم دیکتاتوری حاکم اعدام را به مدت ۵۰ روز اجرا نکرد تا

با فشارهای روحی و جسمی بتواند عزم آهنین رفیق ما را در هم شکنند. رژیم دو راه در مقابل رفیقمان گذاشت. این دو راه یکی اجرای حکم تیرباران و دیگری آمدن به تلویزیون و خیانت به آرمان خلق و «آزاد» شدن. رفیق نادر جواب رژیم را از اولین روز محکومیت داده و گفته بود که من تیر باران را انتخاب می کنم چون که مرگ با افتخار را بر زندگی ننگین که توام با خیانت به خلق باشد ترجیح می دهم.

رفیق نادر وقتی رفقای حزبی را بدرود گفت در وصیت خود پیام داد که: «جسد مرا به کوه های بنحورد کنار رفقایم داریوش و مسعود بخاک بسپارید تا رفقای حزیم در هر زمانیکه به کوه میروند مرا بیاد بیاورند» و در وصیت خود به همه اطمینان داد، «حزب ما چه من باشم و چه نه باشم مبارزه عادلانه خود را تا محو کامل امپریالیسم و ارتجاع و تا تحقق جامعه بی طبقه ادامه خواهد داد»

رفیق نادر در میدان تیرباران محکم و استوار فریاد سرخ را در شعار مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر ارتجاع جاری ساخت و در خون پاک خویش غلطید. اما سرخی این شقایق خونین در آسمان آبی پایدارتر از همیشه برجاست.

این خون سرخ نادر است که در نبض ها می تپد و این رزم سرخ نادر است که در بستر حزب جاریست تا موج خلق را به حرکت در آید و بساط امپریالیسم و مرتجعین را برچیند. نام رفیق به عنوان سمبل آزادی، سرلوحه شرف و پاک باختگی در دفتر حزب ما ثبت گشته است.

وصیت نامه رفیق نادر رازی

«با دروهای فراوان به طبقه کارگر و تودهای پرخروش خلق ایران

با سلام های سرخ کمونیستی به رفقا و هواداران حزبی برای من مایه بسی افتخار و مباهات است که سرباز کوچکی در خدمت سپاه بیکران کارگران و زحمتکشان هستم. برای من مایه بسی افتخار است که جزء کوچکی از ستاد پیشاهنگ طبقه کارگر ایران «حزب کار ایران» هستم. من افتخار می کنم که تحت رهبری حزب کار ایران در راه رهایی کارگران و زحمتکشان ایران از یوغ امپریالیسم و سرمایه داری و در نهایت آرمان والای سوسیالیسم و کمونیسم و خوشبختی تمامی توده های درد و رنج، مبارزه می کنم. من افتخار می کنم که در حزب کار ایران، ستاد پیشاهنگ طبقه کارگر ایران تربیت شدم و ایمان به رهایی طبقه کارگر و آرمان والای کمونیسم را آموختم.

همچنین آموختم که چگونه بی ارزش ترین چیز، یعنی جانم را در راه رسیدن به این آرمان مقدس هدیه می کنم.» •

چند یادداشت کوتاه سیاسی



آیا استان خوزستان در مجلس شورای اسلامی، مجلس «خبرگان» و شوراهای شهر و روستا «نماینده گانی» دارد؟

استان خوزستان کمی بیش از ۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و طبق سرشماری سال ۹۵ کمی بیش از چهار میلیون و هفتصد و هزار نفر (۴۷۱۰۰۰۰) جمعیت و دارای ۲۷ شهرستان است. خوزستان ۱۸ «نماینده» در مجلس شورای اسلامی، ۶ نماینده در مجلس «خبرگان رهبری» و بیش از ۴۰۰ نماینده در شوراهای شهر و روستا دارد.

با اینهمه به اصطلاح نماینده گان، پس چرا آنها مطالبات و خواست‌های به حق مردم استان‌شان را پی گیری و یا حداقل با صدای رسا به گوش دیگران نمیرسانند؟! پاسخ روشن است؛

- آنها، «ندیم سلطانند نه ندیم بادنجان»
- آنها، نماینده گان واقعی مردم نیستند.
- آنها، اساسا با درد مردم زحمتکش استان بیگانه اند.
- آنها، برای چنین وظایفی انتخاب نشده اند.
- آنها، از درون یک انتخابات آزاد بیرون نیامده اند.
- آنها، میترسند مورد غضب بالایی ها قرار بگیرند.
- آنها، جرات حضور در بین مردم معترض راندارند.
- آنها، بدنبال پر کردن حساب‌های بانکی شان هستند.
- آنها، بانظارت استصوابی انتخاب شدند.
- آنها، راه حل نیستند بلکه خود مسئله هستند.
- آنها، فرزندان شریف و عدالتخواه این دیار نیستند.

- «گر ببینی ناکسان بالا نشینند، صبر کن
- روی دریا کف نشیند، قعر دریا گوهر است»



هفت نکته در مورد علل پشت پرده خاموشی ها / اوضاع بدتر هم خواهد شد اگر برجام احیا نشود

«امیر میانه جی» کارشناس ارشد شبکه و نیروگاه یکم خاموشی برق در روزهای حال و آینده چند علت عمده دارد ولی عده ای دوست دارند مثل همیشه و همه اتفاقات و بحران‌های این ملک بحران زده ماهی خود را از آب بگیرند. دوم حاکمیتی: سیاستهای کلی نظام در قالب برنامه های پنج ساله پنجم و ششم دولت را مکلف کرده که بخش اعظمی از نیروگاه‌ها را واگذار کند و ضمنا سرمایه گذاری دولتی در توسعه نیروگاه‌ها را کاهش دهد و از بخش خصوصی جذب سرمایه کند که در این مورد تعداد زیادی مراجعه برای سرمایه گذاری نیروگاه‌ها بوده و تا مرحله اخذ مجوز هم پیش رفته و لیکن موارد کمی عملیاتی شده‌اند و در بخش توسعه دولتی هم با بی پولی شدیدی مواجه است که روند توسعه دولتی را کند کرده است.

سوم بودجه ای: وزارت نیرو تا قبل از دولت اول «احمدی نژاد» با فروش برق و دریافت هزینه‌های آن، ابتدا هزینه‌های توسعه نگهداری و تعمیرات تاسیسات شبکه را برداشته و باقی مانده را به خزانه دولت واریز می کرد، اما در دولت احمدی نژاد روال عوض شد و هزینه فروش ابتدا برای پرداخت یارانه نقدی به خزانه دولت واریز می شود و دولت بودجه توسعه، تعمیرات و نگهداری را با تاخیر زیاد و قطره چکانی به وزارت نیرو تخصیص می دهد بطوریکه اغلب اوقات تا ماههای پایانی سال بودجه تامین نمی شود.

چهارم تحریم: صنعت برق کشور در هر سه حوزه تولید، انتقال و توزیع صنعتی تکنولوژیک و وابسته به قدرت‌های تکنولوژی بزرگ جهان است و بدون ارتباطات سالم و مطمئن امکان نگهداری و توسعه بسیار سخت و طاقت فرسا و گران قیمت است. لذا تحریم‌ها تاثیر مستقیم و کمر شکن در صنعت برق دارند و هزینه ها را سرسام آور می کند بطوری که با ادامه تحریم ها روزهای سخت و بدتری در انتظار این صنعت حیاتی می باشد

پنجم مدیریتی: در سالهای دولتن «احمدی نژاد» و حتی پس از آن متأسفانه مدیران سفارشی و بدون تخصص مربوطه در این صنعت رشد فزاینده‌ای پیدا کرده‌اند که در تصمیم گیری‌ها ضعیف و فاقد قاطعیت هستند. بطور مثال مدیرعامل شرکت توزیع تهران از حراست به مدیرعاملی این شرکت رسید و چند روز پیش مجبور به استعفا شد و مدیرعامل شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی، فارغ التحصیل الهیات دانشگاه امام صادق ع با گرایش اقتصاد اسلامی است.

بدتر شدن اوضاع به رفع تحریم‌ها، برقراری مبادلات بانکی، سرمایه‌گذاری دولتی، افزایش سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و استفاده از مدیران متخصص و مجرب نیاز دارد.

درحاشیه جنجال «ربودن» مسیح علینژاد

«مسیح علی‌نژاد» خبرنگاری که روزگاری با جناح «اصلاح طلب» رژیم می‌پرید و به بالایی‌ها دل بسته بود پس از ناامید شدن از این تحولات راهی خارج شد و بعنوان خبرنگار صدای آمریکا، ارگان رسمی تبلیغاتی وزارت امور خارجه، کارش را آغاز کرد.

وی از سال ۲۰۱۵ تا امروز، بیش از ۱ میلیون دلار از صدای آمریکا پول دریافت کرده است.

این بجز صدها هزار دلار فاند بابت کمپین‌هایی مثل «ما شهروندان دیجیتال»، «چهارشنبه‌های سفید» و «دختران انقلاب» و جوایز متعدد است.

«مسیح علی‌نژاد» بعنوان یک مهره تبلیغاتی، در قالب «مبارزه برای آزادی پوشش و فعال حقوق بشر» در وزارت امور خارجه و تحت نظارت و کنترل سازمان جاسوسی آمریکا انجام وظیفه می‌کند. وی دردیدار اخیرش با «مشاور امنیت ملی آمریکا»، «جیک سولیوان»، خواهان توقف مذاکرات هسته‌ای و ادامه تحریم‌های اقتصادی علیه ایران شد.

جنجال ربودن «مسیح علی‌نژاد» و انعکاس بودار آن در رسانه‌هایی نظیر «ایران اینترناشنال» و «منوتو» و «صدای آمریکا».... درشرایطی که مذاکرات برجام جریان دارد یکی از سناریوهای ساختگی و ابزار فشار روانی از بالا به رژیم برای کسب امتیازات سیاسی و راهبردی است. امروز «مسیح علی‌نژاد» بعنوان ابزار دست وزارت امور خارجه آمریکا و شیپور پروپاگاندای امپریالیسم عمل میکند و اگر فردا نیاز به سربه‌نیست کردن او برای اهداف سیاسی آمریکا و سازش با رژیم مطرح باشد، دریک سناریوی هالیوودی جان این «قهرمان همه فن حریف و متوهم» را می‌گیرند و آب از آب تکان نمی‌خورد و «حقوق بشر خواهی» آمریکا و حمایت از حقوق شهروندی رنگ می‌بازد.

سروصدهای کنونی بی‌ربط به مبارزه مردم و به زیان اعتصابات کارگری و اعتراضات مردمی ایران است و افکار عمومی را به انحراف می‌برد. آنچه برای ارتجاع داخلی و خارجی فاقد کمترین ارزش انسانی است، حقوق مردم، بویژه کارگران و زحمتکشان است، باید هوشیارانه بر اعتصابات درخشان کارگران متمرکز شویم و به افشای دسیسه‌های داخلی و خارجی کمره‌مت بندیم. اگر سرسپردگی به سازمان جاسوسی آمریکا، تحریم و تجاوز به کشورها راه‌گشای ملل بود، آنوقت

ششم انرژی‌های تجدیدپذیر: بی‌توجهی و عدم سرمایه‌گذاری به انرژی‌های تجدیدپذیر توسط مجلس و دولت، که توسعه آن می‌توانست کمک بزرگی به شبکه و تامین کسریهای نیروگاه‌های حرارتی نماید «علیرغم توجه و رویکرد وزیر سابق نیرو» باعث شده که از این انرژی پاک و ارزان قیمت محروم شویم.

هفتم خشکسالی: حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد از انرژی برق در ساعات پیک از انرژی برق آبی تامین می‌شد که بدلیل خشکسالی و کمبود بارندگی و بی‌آبی سدها بر کسری‌های تولید شبکه افزوده و این در حالی است که اصولاً در کشور ما می‌بایست انرژی برق آبی در کمترین حد خود استفاده شود تا شاهد هدر رفت آب و ذخایر سدها نباشیم.

هشتم هدر رفت انرژی: تلفات و هدر رفت انرژی در شبکه به دو صورت است، یک در تاسیسات و خطوط انتقال و توزیع انرژی که اصلاح آن به موارد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ وابسته است.

نهم تلفات در مصرف‌کننده که به خود مردم و رعایت قوانین ساخت و ساز مربوط است و متأسفانه موارد بسیار جزئی شاهد رعایت هستیم و در اکثر موارد رعایت نمی‌شود

دهم مثال بارز آن مساکن مهر است که حتی در استانهای گرمسیر علیرغم وجود زمین زیاد، برجهای تا ده طبقه احداث شده که به‌جوجه ایزولاسیون انرژی موضوع مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان در آنها رعایت نشده و برای تحمل گرما در تمام اتاقها و پذیرایی از کولرهای گازی با توان بالا استفاده می‌شود که این کولرها اولاً توان راکتیو به شبکه تحمیل و تلفات را افزایش می‌دهند و ثانیاً بار مصرفی خانگی شبکه را بشدت بالا برده اند بطوری که پیک بار شبکه از شب به روز منتقل شده است.

یازدهم البته این عدم رعایت مبحث ۱۹ در بقیه ساخت و سازها هم فقط در حد پنجره‌های دو جداره رعایت می‌شود و لاغیر. دوازدهم اینروزها که موضوع خاموشی داغ شده عده‌ای کم اطلاع و گاهی مغرض و مخالفان کینه توز دولت بجای نقد درست از مطالبی غیر واقعی آویزان شده اند مثل معاهده زیست محیطی پاریس یا رمزارزها!

سیزدهم این معاهده فقط دولتها را الزام به عدم استفاده از سوخت مازوت و تامین کیفیت سوخت گازوئیل در پایین آوردن گوگرد و ناکس می‌نماید که با پالایش مداوم دودهای خروجی نیروگاه‌ها سعی در پایین آوردن سطح گازهای گلخانه‌ای برای اصلاح لایه ازن و افزایش سلامت محیطی است.

چهاردهم جبران خاموشی‌های امروز و آینده و جلوگیری از

اعتصاب در هفت تپه ادامه دارد

یکشنبه ۳ مرداد ۱۴۰۰
سیزدهمین روز اعتصاب کارگران هفت تپه امروز برای دومین روز متوالی کارگران تمام بخش‌های «شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه» با ذکر مطالبات مشخصی اعتصاب کردند. کارگران هفت تپه ضمن اعلام مطالبات فوری خود، در صحبت‌های مشخصی که رو به حاکمیت داشتند، اعلام کردند که این خواسته‌ها تحت هر شرایطی و با مدیریت هر فرد یا ارگانی در نیشکر هفت تپه باید محقق شود.

این مطالبات به شرح زیر هستند:
۱. پرداخت سه ماه حقوق معوقه کارگران
۲. تعیین تکلیف سریع وضعیت شرکت هفت تپه
۳. واکسیناسیون فوری، سراسری و رایگان
۴. بازگشت به کار کارگران اخراجی
۵. تمهید کردن قرارداد کارگران به خصوص کارگران دفع آفات
۶. احقاق کامل مطالبات صنفی کارگران منجمله غذا، هزینه ایاب و ذهاب و ...

در ادامه روند اعتصابات سراسری بیش از ۱۰۰ مرکز صنعتی، نفتی، خدماتی و ... در سرتاسر کشور، پیوستن کارگران هفت تپه به اعتصابات هم نشان دهنده پیگیرانه بودن اعتراضات در هفت تپه تا رسیدن به حقوق واقعی کارگران هست و هم حمایتی عملی و مورد انتظار از اعتصابات مذکور.



عراق و افغانستان ولیبی...می‌توانستند الگوی خوبی برای قضاوت باشند که جز کشتار میلیونی و ویرانی زیر ساخت‌های کشور و قراردادهای اسارت آور نیمه مستعمراتی و یا تماماً مستعمراتی نتیجه‌ای نداشته اند.

مبارزه مردم فقط با اتکا به نیروی خود و بدون مداخله اجانب به پیروزی خواهد رسید.



برگی از تاریخ

چرا «مرا ببوس» مرا ببوس شد؟

فریدون مشیری راست می‌گفت:
«همه عالم، کس به یاد ندارد، نغمه سرایی را که یک ترانه بخواند و تنها با یک ترانه، این گونه جاودانه شود.»
شاعر نامدار از «مرا ببوس» یاد می‌کند و خواننده آن حسن گل نراقی. این که چرا این ترانه چنین در تاریخ موسیقی ایران جاودانه شد را، شاید بتوان در این ماجرا جستجو کرد که افکار عمومی معترض در سالهای بعد از کودتای مرداد ۱۳۲۸، بار سنگین اعتراض خاموش، علیه استبداد را بر دوش یک ترانه گذاشتند، ترانه‌ای در ستایش عشق.
«مرا ببوس» یکی از اشعار دفتر شعر آسمان اشک اثر شاعری جوان با نام «حیدر رقابی» بود که «انتشارات امیرکبیر» به مدیریت «عبدالرحیم جعفری» آن را منتشر کرد. رقابی از دوستان نزدیک «مصدق» بود و با نام «هاله» شعرهای خود را منتشر می‌کرد. این شعر در آن زمان شهرتی به دست نیاورد تا اینکه در سال ۱۳۳۵، مجید وفادار آن را با تأثیرپذیری از یک آهنگ یونانی ساخت و «خاطره پروانه» برای فیلم فارسی «اتهام» خواند.





به مناسبت چهلمین سالگرد اعدام جنایتکارانه رفیق رزمنده توفانی، جانبرار روحی

۴۰ سال از اعدام ناجوان مردانه رفیق جانبرار روحی گذشت. رفیق جانبرار در تابستان ۱۳۶۰ به جرم دفاع پیگیر از کارگران و زحمتکشان به خاطر اعتقاد راسخ به مارکسیسم لنینیسم به عنوان یگانه ایدئولوژی رهائی بشریت از قید خرافات مذهبی، سرمایه‌داری و امپریالیسم توسط شب پرستان آدمخوار جمهوری سرمایه‌داری اسلامی تیرباران گردید. اکنون که بیست و نه سال از این جنایت هولناک و ضد بشری می‌گذرد، یک بار دیگر یادنامه رفیق را که در همان سال شصت در ایران توسط حزب ما انتشار یافته است، منتشر می‌کنیم و یاد این رفیق جانباخته که تمام هستیاش را در راه سعادت و خوشبختی کارگران و زحمتکشان و همه ستم‌دیدگان فدا کرد، گرامی می‌داریم. اعدام تبهکارانه و ضد بشری رفیق جانبرار و ده‌ها رفیق دیگر، پرچم خونین حزب کار ایران را خونین‌تر ساخت و عزم ما را در امر رهائی زحمتکشان از یوغ ستم و استثمار برای ایرانی آباد و آزاد و شکوفان استوارتر نمود.

یاد رفیق جانبرار و همه رزمندگان راه طبقه کارگر و آزادی گرامی باد!

جانبرار روحی یار و یاور زحمتکشان

بیانیه جمعی دانشجویان در همبستگی و حمایت از کارگران نفت و پتروشیمی

امروز فریاد دادخواهی طبقه کارگر از هر طرف شنیده می‌شود. مناسبات ضداجتماعی موجود و سازوکارهای ناعادلانه اعتراض بخش وسیعی از جامعه را به دنبال داشته است، تجمع منافع در دست گروه‌های خاص منجر به بی‌بهره‌گی طبقه عام شده است. کارگران زحمت‌کش نفت و پتروشیمی در جای‌جای این سرزمین از چنین رویه‌های نابخردانه‌ای که نتیجه‌ای جز فرسایش منابع و منافع عمومی ندارد خشمگین هستند و این تکاپو و ایستادگی آن‌ها صدای رسای حقیقت و جستن عدالت است.

ما دانشجویان جای‌جای این سرزمین به ایستادگی کارگران باور داشته و خود را فرزندان همین طبقه و بخشی از آنان می‌دانیم. بنابراین ضمن بیان همبستگی خود، با چشمی بینا و نگران و با واکاوی زمینه‌های موجود تاکید می‌کنیم که نفوذ خصوصی‌سازی و به حراج گذاشتن منابع و نیروی کار مردمان این سرزمین ضربات جبران‌ناپذیری به بخش‌های گوناگون جامعه و به کارگران زده است و حیات جمعی را به خطر انداخته است. همچنان که دانشگاه و فضاهای آموزشی نیز از گزند این هجوم در امان نبوده‌اند و پولی‌سازی آموزش و محیط‌های وابسته به آن، حق آموزش همگانی و رایگان را به‌طور جدی خدشه‌دار کرده است. آشکار است که رویه‌های موجود باعث افزایش تضاد منافع در جامعه شده است و چهره جامعه را به‌سان مردمی تکیده و رنج کشیده درآورده است، درحالی که گروه‌هایی برخوردار به اقلیتی تبدیل شده‌اند که با انباشت سوداگرایانه روزه‌به‌روز جامعه را فقیرتر می‌کنند.

از این‌رو ما دانشجویان خواسته‌هایی مانند مهار گسترش هولناک خصوصی‌سازی‌ها و پیمانکاری‌ها، حق داشتن تشکل مستقل، افزایش دستمزدها به شکلی که با واقعیت زندگی مطابقت داشته باشد، پرداخت معوقات مزدی کارگران و پرداخت به‌موقع دستمزد، بهبود شرایط کار از جمله زمانمندی عادلانه آن، محکوم کردن اخراج کارگران و درخواست بازگشت به کار کارگران اخراج شده، محکوم کردن برخورد قضایی با کارگران معترض به بی‌عدالتی، ایجاد امنیت شغلی و حذف قراردادهای موقت و ظالمانه، برخورداری از حق همگانی مسکن، امکانات آموزشی، درمانی و رفاهی را برحق و تحقق آنرا ضرورتی فوری و انکارناشدنی می‌دانیم. با آرزوی جهانی عادلانه‌تر

هم‌گامان شما در جای‌جای کشور •

رفیق پس از پیوستن به صفوف حزب با شور و شغفی وصف ناپذیر به اجرای وظایف حزبی که همان آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است، همت گماشت. با اوج گرفتن مبارزات خلق قهرمان علیه رژیم مزدور شاه، بنا به رهنمود حزب، رفیق جانبرار برای آگاه و متشکل کردن دهقانان به روستاهای اطراف محمود آباد رفت و با تشکیل کمیته تحقیق و نشاء به کمک دهقانان شتافت. همه جا با صبر و حوصله که از خصوصیات بارز این رفیق بود برای دهقانان صحبت می کرد و در متشکل شدن دهقانان و تشکیل شورا و مصادره زمین های فنودالی و افشای ستمی که از سوی فنودال ها و سرمایه داران بر دهقانان می رفت، نقش به سزائی داشت. تلاش های رفیق بی ثمر نماند. در چندین روستا شورا به وجود آمد و در چندین مورد هم دهقانان به حقوق خود دست یافتند.

رفیق جانبرار در زمان حکومت نظامی بختیار به ایجاد کتابخانه که در نوع خود اولین کتابخانه شهر محمود آباد بود همت گماشت. اما واپسگرایان و مرتجعین بعد از انقلاب، مغول وار آن را به آتش کشیدند و خود او مدت ها تحت تعقیب پاسداران و فالانترهای شهر بود. رفیق بر طبق رهنمودهای حزبش مبارزه را علیه امپریالیسم و رویزیونیسم و ایادی آنها و هم چنین برای دفاع از دستاورهای انقلاب بهمن سرسختانه به پیش برد.

رفیق خود را در غم و شادی روستائیان شریک می کرد و کمک و همدردی با آنها را وظیفه خود می دانست به طوری که در کار نشاء و وجین به روستاهای مختلف می رفت و چه روزهای پایی خستگی ناپذیر دوشادوش دهقانان کار می کرد و حتی تا آخرین سال زندگیش در نشاء و وجین کمک به دهقانان را دریغ نداشت. روستائیان محمود آباد به خوبی او را می شناختند. همه او را دوست داشتند و از سادگی و مهربانی و از عشق عظیم او به خودشان صحبت می کردند.

اعدام ناجوانمردانه رفیق جانبرار، پرچم خونین حزب طبقه کارگر، «حزب کار ایران» را خونین تر ساخت و عزم ما را در امر رهایی زحمتکشان از یوغ ستم و استثمار برای ایرانی آباد، آزاد و شکوفا استوارتر ساخت.

تو آوای ما ره در گذر کن

برو گرد جهان سیر و سفر کن

بین بر زخم عالم مرهم ما

بین بر گیتی پرچم ما

که موج است و خونین است و افشان

چو مشعل روشن و دائم فروزان •

رفیق جان برار در تاریخ ۷ تیرماه ۱۳۶۰ هنگامی که با تنها فرزندش از خانه بیرون می آمد، در شهر محمود آباد دستگیر می شود. پاسداران و مرتجعین شهر بی شرمانه برای او پرونده می سازند و اعلان می کنند که او را در بابل سر در حین فرار و با مود منفجره دستگیر کرده اند. رفیق از ۵۰ روز که در زندان بابل بود با توطئه ساواکی ها و مرتجعینی چون قنبری، موسوی، رحمانی و گویا به بهشهر برده شد و بدون حتی محاکمه فرمایشی در ۲۷ مرداد ماه ۶۰ تیرباران می شود. خبر اعدام رفیق، همه مردم زحمتکش و آزاده شهر و روستا را متأثر ساخت و علیرغم این که رژیم تعهد گرفته بود که هیچ مراسمی برگزار نگردد، اما مردم ساعت ها برای ورود جنازه رفیق به شهر منتظر می ماندند. پاسداران مسلح و مرتجعین محلی، شهر را محاصره کرده و حکومت نظامی را دو چندان می کنند و وقیحانه از دفن رفیق در گورستان شهر جلوگیری به عمل آورده و بالاخره مجبور می شوند پیکر له شده رفیق جان برار را در حیاط خانهاش دفن کنند که این خود کینه و نفرت مردم را از این همه جنایات برانگیخت.

روستائیان و مردم شهر و همه آنهايي که زندگي سراسر مبارزه این رفیق را می شناختند از سایه شوم اختناق پاسداران مسلح و فالانترها نهراسیده و به خانه رفیق می آمدند و احساس همدردی می کردند.

رفیق جان برار در سال ۱۳۲۷ در یک خانواده دهقانی در شهر محمود آباد به دنیا آمد. بعد از اخذ دیپلم وارد دانشکده علم و صنعت شد و در رشته مهندسی مکانیک فارغالتحصیل گشت. بعد از مدتی در شرکت نفت اهواز به عنوان دبیر هنرستان مشغول به کار شد. مدت ۵ سالی که در هنرستان تدریس می کرد، لحظهای از آگاه کردن هنر جوانان غافل نبود و از اینرو بارها ساواک او را تعقیب و آزار کرد. در سال ۱۳۵۶ در اثر فشار ساواک از کار خود استعفا کرد و به زادگاهش برگشت. او بعد از چندی در هنرستان آمل مشغول تدریس شد. در اینجا هم پیوسته هنرجویان را تشویق به مبارزه علیه رژیم مزدور شاه می کرد و بین آنها مخفیانه کتاب پخش می نمود. به همین خاطر چهرهای دوست داشتنی در بین معلمان و محصلین بود. رفیق از سال ها قبل تشکیلات «توفان» را به خوبی می شناخت و آرزوی قلبیش این بود که روزی به آن بپیوندد و سرانجام در اوایل سال ۵۷ رفیق جانبرار روحی به حزب پیشتاز طبقه کارگر، به «حزب کار ایران» (حزب کمونیست کارگران و دهقانان سابق) پیوست.



بیانیه کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست در مورد کوبا

ما محاصره اقتصادی و مداخله امپریالیستی در کوبا را محکوم می‌کنیم!

ما از حق تعیین سرنوشت مردم حمایت می‌کنیم! تظاهرات اجتماعی که طی روزهای اخیر در شهرهای مختلف کوبا و سایر کشورها صورت گرفته اند ادامه تلاش های امپریالیسم آمریکا برای بی ثبات سازی سیاسی و تحمیل رژیم با تطابق کامل با منافع انحصاری خود است.

تظاهر کنندگان، همزمان و با شعارهای یکسان - گوئی طبق برنامه و نسخه های پیچیده شده - برای ابراز اعتراض به دولت کوبا در میدان و خیابان ها از آن جمله در میامی آمریکا تجمع کردند. این اعتراضات توسط عوامل امپریالیستی مورد تشویق قرار گرفته و شرایط مادی عینی مانند کمبود غذا و دارو و قطع طولانی مدت برق که در ماه های اخیر در حین بیماری همه گیر کووید ۱۹- بدتر شده اند آنها تقویت کرده است . این عوامل ، همانطور که خود دولت نیز اذعان کرده است ، بخشهای وسیعی از مردم را به طرز بسیار حساسی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما اساسا ، این کمبودهای عینی ارتباط مستقیمی با محاصره اقتصادی اعمال شده بر کوبا دارند ، که به آن اجازه نمی‌دهد به توسعه مبادلات اقتصادی و تجاری منصفانه با کشورهای دیگر پرداخته و از طریق آن دست به مبادله کالاها و خدمات برای تقویت اقتصاد خود زند . این نیازهای ارضا نشده ، که در نارضایتی بخشهای قابل توجهی از توده ها بیان می‌شود ، همچنین نتیجه نظرات و سیاست های دولت کوبا است . بر احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست روشن است که رژیم اقتصادی و سیاسی کوبا بیانگر حضور سرمایه

داری و وابستگی است و انقلاب و سوسیالیسم یک ضرورت و یک پاسخ واقعی به آمال رهایی کارگران و مردم کوبا است. کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست-لنینیست بر موضوع خود در مورد رد قاطعانه محاصره اقتصادی که امپریالیسم آمریکا برای ۶۰ سال علیه کوبا اعمال کرده است و همچنین سیاستهای تحریم اصرار می‌ورزد. در عین حال کنفرانس از حق مردم کوبا برای اعتراضات اجتماعی ، مبارزه برای منافع و حقوقشان و همچنین حق تعیین سرنوشت برای تصمیم گیری در مورد رژیم سیاسی و اجتماعی خود بدون فشار و یا تحمیل خارجی حمایت می‌کند. برای کنفرانس ما روشن است که ، از زمان پیروزی انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ ، امپریالیسم یانکی تصمیم گرفت که کوبا بهای گرانی برای این انقلاب ارزشمند پرداخت کند . امپریالیسم آمریکا به یک تجاوز منظم و مداوم تحت متنوع ترین و پوچ ترین اشکال جنگ کثیف علیه این کشور دست زده است. از آن زمان تا کنون، امپریالیسم آمریکا به مجموعه ای از عملیات ، از خرابکاری تا ترور و تحریم و محاصره ، تا کارزارهای دروغ پردازی و افترا و جعلیات دست زده است که نه تنها به هدف خود نرسیده است بلکه برعکس ، احساسات میهن پرستانه مردم کوبا ، همبستگی بین المللی مردم با آن کشور را تقویت کرده و خشم مردم نسبت به مداخله گری سرمایه داری - امپریالیستی را بر افروخته است. اکنون ، همانطور که گفته شد ، امپریالیستها با سوء استفاده از مشکلات ناشی از محاصره و تشدید آن، عواقب پاندمی کرونا ، و مشکلات اقتصادی تازه و کهنه تلاش کرده و می‌کنند دست به اقدامات فتنه انگیز جدید بزنند. اما آنها سرشان دوباره بزمین خورد و باز هم بزمین خواهد خورد. مردم کوبا مردمی هستند، که در میهن پرستی و دفاع از کرامت «خوزه مارتی» شان آموزش دیده اند. دشمنان این کشور هر چقدر هم زهر پاشند، این مردم وارث یک سنت طولانی مبارزه با فتنه افروزی دشمنان اند و ما هم اکنون شاهد موضع آنها در رد تظاهرات های اخیر هستیم. (خوزه مارتی : فیلسوف ، نویسنده ، و فعال سیاسی کوبائی و قهرمان ملی کوبا در جنگهای استقلال طلبانه بر علیه امپراطوری اسپانیا در قرن ۱۹ است. توفان) دولت های دست نشاندۀ امپریالیسم در آمریکای لاتین واکنش دولت کوبا به وقایع اخیر را سرکوب گری وحشیانه توصیف کرده اند و تصمیم بر مداخله مستقیم در کوبا دارند که با سکوت آنها در مورد حمام خونی که با تحریک «ایوان دوکو» در کلمبیا در برابر اعتراضات عادلانه مردم کلمبیا در هفته قبل صورت گرفت و یا قتل بیش از ۷۰ نفر در روزهای اخیر در اعتراض به گرسنگی در آفریقای جنوبی در تضاد کامل قرار دارد. ما بر این باوریم که که کارگران و مردم کوبا راه وامکانات لازم را برای مبارزه برای رهایی اجتماعی و برای انقلاب و سوسیالیسم پیدا خواهند کرد.

کمیته هماهنگی کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست

۱۶ ژوئیه ۲۰۲۱ •

در طول چند نسل، برنامه‌ریزی نکرده بودیم. به ما حمله شد. ما با اهداف مشخص به جنگ رفتیم و به اهدافمان رسیدیم.»
جوابیدن مثل همیشه دروغ میگوید هدف آمریکا از اشغال افغانستان مبارزه با تروریسم نبود بلکه انتقال لوله های گاز از آسیای میانه به افغانستان و از این طریق به دریای عمان بود و دودگر مستقر کردن نیروی نظامی آمریکا در افغانستان پشت مرزهای ایران، روسیه و چین بود. در همین رابطه یک قرارداد ۹۰ ساله نظامی نیز با افغانستان منعقد گردید.

شکست امپریالیسم آمریکا در افغانستان و خروج نیروهای متجاوز ناتوی از خاک این کشور اگرچه هنوز پایان کار نیست و آمریکا به این زودیها دست از سر مردم افغانستان و منطقه بر نمی دارد اما در حال باید این خروج را شکست آمریکا با ۲۷۰۰ کشته و ۱۲۰ هزار مجروح، مثبت ارزیابی کرد. زیرا این امر موجب تضعیف نقش مخرب این ابر قدرت در منطقه و جهان میشود. آمریکا در استراتژی ببر کاغذی است لیکن در تاکتیک و شرایط کنونی یک ابر قدرت قوی و زخمی است و برای نقش سرکردگی خود دست به هر جنگ و جنایتی و بی ثباتی در منطقه و جهان می زند.

نتیجه ۲۰ سال اشغال در افغانستان؛ جز کشتار و مرگ و افزایش ناامنی و فقر و ترور و تاراندن میلیونها نفر از خانه و کاشانه شان نبوده است.

برخی از محافل خود فروخته سیاسی با خروج متجاوزین ناتوی از خاک افغانستان مخالفند زیرا نگران این هستند که مجدداً «نیروی زن ستیز طالبان به قدرت برسند» و جامعه مدنی از بین برود! تو گویی آمریکابخاطر ملاحظات حقوق بشری و آزادی زن و جامعه مدنی دست به اشغال افغانستان زده است!!!! ازورای چنین نگرانیهایی این طور پیداست که عده ای با ادامه حضور ارتش آمریکا برای حفظ «جامعه مدنی» تا آماده شدن یک بدیل انقلابی موافقت میکنند!!!! زهی بیشرمی!

سرنوشت هر کشوری باید بدست ملتش تعیین گردد و مردم افغانستان حق دارند با نیروی خود حکومت مطلوب خود را بدون هر گونه مداخله خارجی انتخاب کنند. احترام به حق حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و تساوی حقوق ملل احترام به حقوق بشر است باید آن را به رسمیت شناخت. مردم افغانستان نه زیر بار زورگویی و اشغال دولت متجاوز سوسیال امپریالیست شوروی رفتند و نه زیر بار سلطه امپریالیست های غربی به سرکردگی آمریکا میروند. ملت افغانستان هیچگاه در طول تاریخ تسلیم نیروهای اشغالگر خارجی نشده است و نخواهد شد. تعیین تکلیف با نیروی ارتجاعی طالبان و هر نیروی دیگری وظیفه داخلی مردم افغانستان است و جزاین نیست. •



د افغانستان چه میگذرد

چرا خواهان خروج فوری و بی فید و شرط ارتش متجاوز آمریکا از خاک افغانستان هستیم؟

«پیرمحمد ملازهی» کارشناس مسائل افغانستان در مورد تغییر و تحولات اخیر این کشور چنین گفته است:

یکم «هم از نظر نفرات و آمادگی آنها و هم از نظر تجهیزات نظامی طالبان وضعیت بهتری نسبت به نیروهای دولتی افغانستان دارد.

دوم طالبان می دانند در صورتی که بخواهند از طریق نظامی بر افغانستان مسلط شوند، این کشور وارد جنگ داخلی طولانی مدت خواهد شد.

سوم طالبان سعی می کند به جای ساقط کردن دولت مرکزی افغانستان؛ آن را به شدت ضعیف کند و بعد از لحاظ سیاسی قدرت در افغانستان را در اختیار بگیرد.

چهارم باتوجه به مذاکرات طالبان و آمریکا قرار بود قدرت بین دولت و طالبان تقسیم شود، اما طالبان دنبال این هست که ۸۰ تا ۹۰ درصد قدرت را به دست گیرد.

پنجم به نظر می رسد اشرف غنی پس از بازگشت از آمریکا خود را برای خروج از قدرت آماده می کند.»

خروج نیروهای متجاوز آمریکایی از روز اول ماه مه آغاز شده است. آمریکا ۲ هزار و ۵۰۰ سرباز در افغانستان و چندین پایگاه نظامی دارد که باید تا ۱۱ سپتامبر خاک افغانستان را ترک کنند. سایر اعضای ناتو نیز یکی پس از دیگری در حال خروج از افغانستان هستند.

جو بایدن در مصاحبه اخیرش گفت: «ما هرگز برای حضورمان

۶۲۶ میلیارد در این کشور زندگی می کنند. آیا با این وجود می توان چین کنونی را سوسیالیستی نامید؟ خیر!

با کسب قدرت سیاسی توسط گروه دنگ سیاپینگ در ۴۵ سال پیش ماهیت حزب و دولت تغییر کرد و چین راه سرمایه داری را پیش گرفت.

پذیرش احیای سرمایه داری در چین، پذیرش این واقعیت است که احزاب کمونیستی می توانند در روند مبارزه طبقاتی منحرف شده و در اصول مارکسیسم تجدید نظر نموده و جامعه را به سوی سرمایه داری برضد منافع و مصالح پرولتاریا سوق دهند، پذیرش سرمایه داری بودن چین بیان آن است که رویزیونیسم دشمن پرولتاریاست و در هر کشور سوسیالیستی که بر سر کار بیاید آن جامعه را به سرمایه داری بازگشت داده و با توجه به قدرت آن کشور از آن یک ابرقدرت امپریالیستی می سازد. برای رویزیونیستها که نمی خواهند آموزش ببینند بسیار سخت است که بپذیرند تجربه شوروی در چین تکرار می شود. عناد آنها با مارکسیسم کار آنها را در آینده سخت تر خواهد ساخت زیرا چین به وضوح ماهیت امپریالیستی خویش را به منصفه ظهور خواهد رسانید. رویزیونیستهای دیروزی باید رویزیونیسم امروزی شوند و هر روز از چپته استدلالات خود توجیهاتی برای «سوسیالیستی» بودن چین بیآفرینند که این توجیهات چیزی به جز رویزیونیسم نبوده و خیانت به سوسیالیسم و دفاع از سوسیال امپریالیسم خواهد بود.

چین به همان دلایلی سوسیال امپریالیستی شده است که شوروی شد. نه شوروی و نه چین هیچکدام بعد از تسلط رویزیونیسم بر حزب و دولت، کشور سوسیالیستی نبودند، حتی اگر مالکیت بزرگ دولتی در آنها وجود داشته و یا می دارند. از این نوع مالکیت ها و انحصارها در دنیای امپریالیسم نیز وجود دارد، و شکل مالکیت هنوز مضمون مالکیت را روشن نمی کند. چین کشوری سوسیالیستی نیست، «سوسیالیسم بازاری»، حرف پوچی است. نظام حاکم چین نظامی امپریالیستی است که با زبان «کمونیسم بازاری» سخن می گوید! •

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

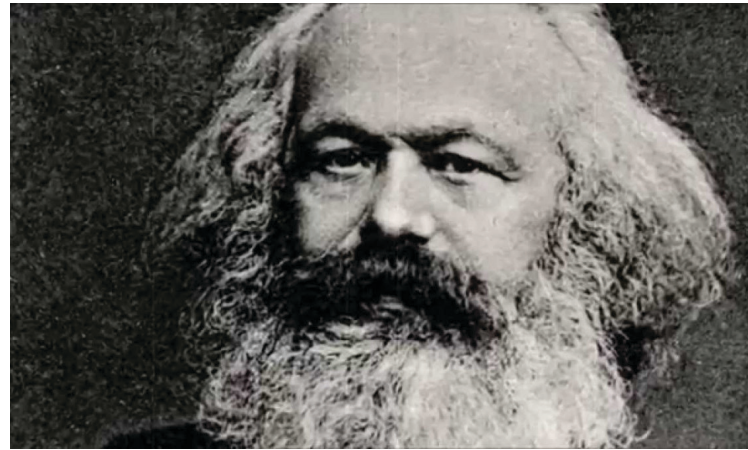


افزایش «میلیاردرها» در چین سرمایه داری

« ثروت ۱۰ میلیارد در چینی در سال ۲۰۲۰ دو برابر شد
 « سال گذشته در حالی که اکثر کشورهای جهان تحت تاثیر ویروس کرونا قرار داشتند، چین توانست به سرعت این بیماری همه گیر را کنترل کند.
 « در این میان ۱۰ میلیارد در این کشور ثروت خود را دو برابر کردند.
 « در یک سال گذشته ۲۰۵ نفر به جمع میلیاردرهای چین اضافه شدند که به این ترتیب هم اکنون ۶۲۶ میلیارد در این کشور زندگی می کنند.
 « آمریکا با داشتن ۷۲۴ میلیارد، همچنان دارای بیشترین افراد بسیار ثروتمند در جهان است.
 « نه تنها چین بیش از هر زمان دیگری دارای میلیارد است بلکه ثروتمندان آن خود را نیز افزایش داده اند.
 « ارزش کل دارایی های ۶۲۶ میلیارد چینی ۲.۵ تریلیون دلار است که در مقایسه با سال گذشته بیش از دو برابر افزایش داشته است. در سال گذشته ارزش دارایی آنها حدود ۱.۲ تریلیون دلار بود.
 « ثروت متوسط یک میلیارد در چین چهار میلیارد دلار است که نشان دهنده ۳۳ درصد رشد در مقایسه با سال گذشته است.

منبع کانال جهان بین الملل "فوری"

با تازه ترین آمار می توان گفت که ۲۰۵ نفر به جمع میلیاردرهای چین اضافه شدند که به این ترتیب هم اکنون



ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

تعریف دولت

دولت اصولاً وظیفه دیگری جز حکمرانی طبقه حاکم برای خود قائل نیست. دولت محصول اجتناب‌ناپذیر تضادهای آشتی‌ناپذیر طبقات در یک جامعه است. به دیگر سخن دولت فقط در حالتی وجود دارد که تضاد و مبارزه طبقاتی وجود دارد. اگر آشتی طبقاتی امکان‌پذیر می‌بود آنگاه دولت ضرورت وجودی خود را از دست می‌داد. اشاره به این نکته نیز ضروری است که «تولید اقتصادی و سازمان اجتماعی هر عصری از اعصار تاریخ که به طور ناگزیر از شیوه تولید حاکم ناشی می‌شود، بنیاد تاریخ سیاسی و فکری آن عصر را تشکیل می‌دهد» (پیش‌گفتار چاپ آلمانی ۱۸۸۳ مانیفست حزب کمونیست - مارکس - انگلس ص. ۱۶)

تاریخ بشریت از زمان بوجود آمدن مالکیت خصوصی و از میان رفتن تدریجی جوامع طایفه ای تا به امروز سرشار از مبارزه طبقاتی میان استثمارگران و استثمارشوندگان بوده است. طبقات حاکم و محکوم چه در جوامع برده داری، چه در جوامع فئودالی و چه امروز در جوامع سرمایه داری پیوسته در مبارزه بوده‌اند. نیروهای استثمارشونده در همه اعصار بوسیله ابزار حکومت گران سرکوب و استثمار می‌شدند.

دولت‌ها - که اشکال اولیه آن از دوران برده داری قدم به عرصه وجود نهادند - در طول تاریخ نماینده و حافظ منافع طبقه حاکم

بوده‌اند. با از میان رفتن هر یک از فرماسیون‌های اجتماعی، دولت متعلق به طبقه سرنگون شده نیز مضمحل شد. در نتیجه رهایی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان، در عصر سرمایه داری که ما در آن به سر می‌بریم، بدون محو دولت، این ارگان حکمرانی طبقه سرمایه دار حاکم، به اضافه کلیه ابزار سرکوب آن و سپس تشکیل دولت پرولتری غیر ممکن است. تکامل تاریخ مبارزه طبقاتی امروز به مرحله‌ای رسیده است که رهایی طبقه استثمارشونده یعنی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان از چنگ طبقه استثمارکننده یعنی سرمایه داری حاکم، میسر نخواهد بود، مگر آنکه جامعه از شر هرگونه استثمار و ستم طبقاتی نجات یابد.

مگر نه اینکه دولت بورژوازی که نماینده طبقه سرمایه دار است - یعنی طبقه حاکمه - از طریق ۳ قوه مجریه (دولت)، مقننه (پارلمان) و قضاییه (دستگاه عریض و طویل دادگستری)، ارتش، پلیس، نیروهای امنیتی و ... اعمال قدرت تا سرحد سرکوب، زندان، شکنجه و کشتار می‌کند؟ دولت سرمایه داری، که دموکراسی بورژوایی خود را (که در عمل جز آزادی عمل سرمایه دار معنی دیگری نمی‌دهد) فریبکارانه «دولت دموکراتیک» جلوه می‌دهد، ارگانی است برای اعمال دیکتاتوری طبقه سرمایه دار که خود در تضادی آشتی‌ناپذیر با کارگران و سایر زحمتکشان قرار دارد. حتی در «دموکراتیک» ترین حکومت بورژوایی هم نصیب اکثریت مردم نوعی بردگی مزدوری است.

گفتیم که رهایی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان بدون سرنگونی دولت بورژوازی و جایگزین کردن آن با یک دولت پرولتری غیر ممکن است. اما تنها تصرف قدرت برای پرلتاریا هدف نیست، بلکه در درجه اول درهم شکستن دولت بورژوازی متشکل از کلیه ابزارهای اعمال‌کننده قدرت دولت کهنه در درجه اول اهمیت قرار دارد. زیرا تصرف نهایی قدرت دولت سرمایه داری تنها با درهم شکستن کلیه ابزار اعمال قدرت طبقه حاکمه و تشکیل دولت پرلتاریا تحقق‌پذیر خواهد بود. به بیان دیگر طبقه کارگر دستگاه دولتی بورژوازی را درهم می‌شکند و یک دستگاه جدید دولت پرولتری جایگزین آن کرده و به وسیله آن حکومت می‌کند. **بقای دولت در دوران دیکتاتوری پرلتاریا تا گذار کامل به جامعه کمونیستی اجتناب‌ناپذیر است.**

این «دولت عبارت است از پرلتاریای مسلح و سازمان یافته به مثابه طبقه حاکم.» (لنین - دولت و انقلاب)

آری! دولت پرلتاریا با خصلت سوسیالیستی تا مرحله گذار به کمونیسم پابرجا خواهد ماند. همانگونه که دولت بورژوازی در زمان حاکمیتش بر پرلتاریا و سایر اقشار جامعه دیکتاتوری اعمال می‌کند، دولت سوسیالیستی پرلتاریا نیز در دوران گذار برای جلوگیری همه جانبه از بازگشت بورژوازی به قدرت ناچار است که نسبت به این طبقه متخاصم که برای کسب قدرت مجدد کمین کرده است، اعمال دیکتاتوری کند.

اندیشه دیکتاتوری پرلتاریا در دوران گذار به کمونیسم از همین واقعیت منشاء می‌گیرد. به یک کلام دولت ارگان سیادت طبقه معینی است که با طبقه مخالف نمی‌تواند از در آشتی درآید. •



گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

پرسش: دوستان محترم توفان، بخش زیادی از نشریات و تبلیغات و شعار شما علیه امپریالیسم بخصوص آمریکاست. چرا اینقدر اصرار به بکاربردن این واژه دارید، آیا امپریالیسم در این ۱۰۰ اخیر تغییری نکرده است، برخی از احزاب ایرانی از واژه امپریالیسم فاصله گرفتند و فقط به سرمایه داری اکتفا می کنند آیا بیان سرمایه داری خود گویا تر از امپریالیسم نیست؟ با مهر و احترام.

پاسخ: دوست عزیز، قبل از هر چیز از اینکه این پرسش مهم را طرح کرده اید بسیار سپاسگزاریم. موضوع بحث تجاوز امپریالیستی به کشورها بخصوص در دودهه اخیر بطور مشخص تجاوز به عراق، افغانستان، لیبی و سوریه همچنان داغ است. حزب ما بارها علل این تجاوزات را موشکافانه تحلیل کرده است. اما متأسفانه عده ای هستند که هنوز نفهمیده اند که چرا برخی از احزابی که نام «کمونیست و چپ» برخورد نهاده اند، مثلاً سرنگونی رژیم طالبان توسط آمریکا را مثبت ارزیابی کرده و به ورطه دفاع از امپریالیسم در غلتیده اند. چرا این جریانات که خود را «کمونیست و چپ» می نامند مخالف شعار خروج بی قید و شرط متجاوزین از خاک افغانستان و عراق و لیبی و سوریه ... هستند و اگر روزی احتمالاً در آینده تجاوز نظامی به ایران صورت گیرد این عده چه موضع سیاسی اتخاذ خواهند کرد. برای توضیح این چراها ناچاریم عمیق تر بر مسائل پیرامون خود و جهان متمرکز شویم. برخی ها نه درک درست از کاپیتالیسم دارند و نه مرحله انحصاری آن امپریالیسم را درست فهمیده اند. این بحث البته می تواند در زمان دیگر و در جای دیگری وسیع تر صورت گیرد. با این حال از آنجا که پرسش مهمی طرح کرده اید و بدان پاسخ داده باشیم، بطور فشرده در مورد مقام امپریالیسم در شرایط کنونی و اینکه چرا تا این اندازه به مبارزه ضد امپریالیستی اهمیت می دهیم، می پردازیم به این امید که برایتان مفید افتد.

لنین دقیقترین و علمی ترین تعریف از امپریالیسم را در کتابش چنین فرموله کرد «۱- تمرکز تولید و سرمایه که به آنچنان مرحله عالی تکامل رسیده که انحصارهایی را که در زندگی اقتصادی نقش قاطعی بازی می کنند بوجود آورده است؛ ۲- در هم آمیختن سرمایه

بانکی با سرمایه صنعتی و ایجاد الیگارش مالی بر اساس این «سرمایه مالی» ۳- صدور سرمایه که از صدور کالا متمایز است اهمیتی بسیار جدی کسب می نماید؛ ۴- اتحادیه های انحصاری بین المللی سرمایه دارانی که جهان را تقسیم نموده اند پدید می آید؛ ۵- تقسیم ارضی جهان از طرف بزرگترین دول سرمایه داری به پایان میرسد.»

امپریالیسم آن مرحله از تکامل سرمایه داری است که در آن انحصارها و سرمایه مالی سیادت بدست آورده، صدور سرمایه اهمیت فوق العاده ای کسب نموده و تقسیم جهان از طرف ترانستانهای بین المللی آغاز گردیده و تقسیم تمام اراضی جهان از طرف بزرگترین کشورهای سرمایه داری به پایان رسیده است. امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه داری است. ماهیت امپریالیسم هیچ تغییری نکرده و تعریف لنینی از این مقوله کاملاً صحیح و جهان شمول است. امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا بعنوان عمده ترین دشمن بشریت علاوه بر صاحب بودن ۴۰ درصد بودجه نظامی جهان، انواع و اقسام ترفند ها از تحمیل سیاستهای اقتصادی نو لیبرالی و مطابق الگوهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، کنترل شوند تمام مردم جهان و حتا متحدین نزدیکش، تا لشکر کشی نظامی مستقیم و آشکار برای سلطه هر چه بیشتر بر کشورهای، عقب نگاه داشته شده و یا مستقل و دمکراتیک و یا در حال توسعه به کار می گیرد. سلطه امپریالیسم بر این کشورها نه تنها نتیجه مثبتی به بار نیاورده و نمی آورد، بلکه مانع از تکامل طبیعی آنان می گردد و این ممالک را به نومستمره خود بدل می سازد. تبعات این وضعیت فقر و فلاکت اقشار وسیعتری از مردم این کشورها، عقب ماندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنان به همراه هزاران مشکل ریز و درشت و مهاجرت های میلیونی و غیرومی باشد.....

بدین رو مبارزه با امپریالیسم برای نیروهای انقلابی بطور مشخص مارکسیست لنینیستهای جهان به خصوص در ممالک توسعه نیافته با ثروتی غنی و اهمیت استراتژیک از اهمیت اساسی برخوردار است. در کشورهایی نظیر مېهنمان ایران که هم اینک در معرض تحریم اقتصادی و تهدید نظامی امپریالیسم قرار دارد، مبارزه ضد امپریالیستی بعنوان عفریت خارجی و ناقض حقوق ملل حائز اهمیت است. در چنین شرایطی پیکار برای استقرار دمکراسی و حقوق بشر نمی تواند منفک از مبارزه ضد امپریالیستی باشد. مبارزه برای آزادی و حقوق دمکراتیک اگر منجر به نزدیکی و اتحاد با امپریالیسم این عفریت خارجی گردد، راهی جز به سراب و ناکجا آباد نخواهد برد. آنها که از تجاوز به عراق، لیبی، افغانستان و سوریه در لفافه های مختلف دفاع کرده اند، عوامل امپریالیست اند حتا اگر نام چپ را با خود حمل کنند.

امپریالیسم اگر چه به لحاظ تکنولوژی و قدرت تخریب بیش از گذشته تغییر کرده است اما ماهیتش همان چیزی است که لنین در کتابش آن را کالبد شکافی کرده و نام ارتجاع سیاسی بر آن نهاده است. امپریالیسم سرمایه داری است اما نه هر سرمایه داری، بلکه سرمایه داری انحصاری است و آنها که مدعی مبارزه علیه سرمایه داری اند باید عمیق تر و جدی تر به مبارزه با امپریالیسم به پردازند زیرا ماهیت و قدرت تخریب هزار بار ویرانگر تر و ارتجاعی تر از سرمایه داری غیر انحصاری است. موفق و پیروز باشید •



پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: بنظرم دستیابی رژیم به بمب‌های هسته ای موجب بقای بیشتر نظام و سرانجام فشار بیشتری بر مردم تحمیل خواهد شد. از این منظر مخالف دست یابی رژیم به بمب اتم هستم. عدم توافق ایران و آمریکا فشار اقتصادی بیشتری را برای مردم رقم خواهد زد. آیا فکر نمی‌کنید اگر رژیم عقب نشینی کند و دست از تحریک بردارد، نفع ایران باشد؟

پاسخ: دوست عزیز، رژیم حتی اگر دارای بمب اتمی هم باشد نمی‌تواند در مقابل مردم دوام بیاورد. سلاح اتمی، یک سلاح بازدارنده در مقابل دشمن خارجی است و نه داخلی. شوروی هم که دومین کشور اتمی جهان بود از درون پاشید و سلاح اتمی، نتوانست نجاتش دهد بنابراین سلاح اتمی یک ابزار بازدارنده، در مقابل دشمن خارجی است و مصرف داخلی نخواهد داشت.

یکم اینکه ما مخالف بمب اتمی هستیم و شعار خلع سلاح اتمی درست‌ترین شعار برای مبارزه علیه میلیتاریسم امپریالیستی و برای صلح است. نخستین کشوری در جهان که باید خلع سلاح اتمی شود آمریکا است...

اما ما در شرایط کنونی نمی‌توانیم حق داشتن سلاح اتمی کشورهای ضعیف را نپذیریم. اگرچه مخالف نفس بمب اتمی هستیم. این حق همانند حق طلاق است، اگر چه ما مبلغ طلاق وجدایی نیستیم. آمریکا این حق را فقط برای خود و اسرائیل و متحدانش محفوظ می‌دارد اما برای دیگران ممنوع!!!

آمریکا از پرتاب بمب هسته ای بفرار از این برای مرعوب کردن شوروی سوسیالیستی و مردم جهان استفاده کرد اما این کشور هیچگاه در بحرانی ترین شرایط علیه مردم آمریکا در داخل بکار نبرد زیرا خطر نابودی خودشان و سیستم سرمایه داری وجود دارد

و سرمایه داری برای سود خودش نیاز به سیستم دارد، نه نابودی آن و خودش!

رژیم جمهوری اسلامی هم اگر روزی این سلاح را تولید کند برای سرکوب داخلی در خیابان‌های تهران و مشهد... نیست، برای استفاده در مقابل دشمن خارجی است. رژیم با نیروی سپاه و بسیج... توانست ۴۲ سال مردم را سرکوب کند و نیازی هم به بمب اتم نداشته است.. رژیم در سالهای ۶۰ هزار بار بیشتر از امروز جنایت کرد و بمب اتم هم نداشت. ولی امروز در اثر رشد مبارزه مردم امکان برخورد با مردم را مانند گذشته ندارد، فضای جامعه تغییر کرده است و رژیم حتا با داشتن سلاح هسته ای هم توان ایستادگی در مقابل مردم را ندارد.

هر رژیمی به مردمش تکیه نداشته باشد، حتا با داشتن سلاح اتمی، توسط مردمش سرنگون خواهد شد. سرنوشت آمریکا و هر کشور دیگر جز این نخواهد بود.

دوم اینکه شما از تعامل ایران با همه جوامع و تبادل اقتصادی صحبت می‌کنید که ما نیز موافقیم اما می‌بینید که این آمریکا بود همان «برجام» تحمیلی را بر تناید و آن را به هم زد. اگر منظور از تعامل تسلیم شروط آمریکا شدن است، ما با آن مخالفیم، زیرا ایران به نیمه مستعمره آمریکا تبدیل خواهد شد.

از این رو نباید حق داشتن سلاح اتمی را بر ماهیت رژیم ایران و رژیم‌های مشابه متمرکز کرد زیرا ناخواسته به تایید حق داشتن سلاح اتمی آمریکا و اسرائیل و... که جنایاتشان کمتر از رژیم ایران نیست، درمی‌غلطیم. آمریکا می‌گوید سلاح اتمی حق او و اسرائیل و هم‌پیمانان اوست چون «دمکرات و متمدن» هستند!!؟ و رژیم‌هایی نظیر ایران، کره شمالی، کوبا، لیبی، عراق، ونزوئلا و بولیوی... ضد دمکراتیک و غیر مسئول و جنایتکار هستند! این یک جنگ ایدئولوژیک علیه مخالفان است که باتوسل به این ترفند آنها را از حق داشتن سلاح اتمی بازدارد. لذا، ما باید این حربه ایدئولوژیک را از این سرکردگان جهان بگیریم و در استدلال‌مان آن‌ها را خلع سلاح کنیم. از نظر حزب ما برای صلح باید نکات زیر را مورد توجه قرار دهیم:

یکم سلاح اتمی، ضد بشری است باید در سراسر جهان برچیده شود. دوم خلع سلاح فوری اتمی از قدرتمندترین کشور دنیا، یعنی آمریکا که بیشترین سلاح اتمی را داراست و تاکنون از آن برضد بشریت، در ناکازاکی و هیروشیما... بکار برده است، آغاز کنیم.

سوم نابودی سلاح اتمی در خاورمیانه، خاورمیانه ای بدون بمب اتمی که باید از اسرائیل شروع کنیم. دولت متجاوز اسرائیل دارای ۳۰۰ کلاهک اتمی است و هم اکنون به جز کل سرزمین فلسطین، بخش‌هایی از ممالک سوریه و لبنان را به اشغال خود درآورده است. چهارم عمده ترین خطر در شرایط کنونی برای صلح و خلق‌های



دین دشمن علم و آزادی

وقتی که نمی‌توانی یک باغ آباد در شهر خودت پیدا کنی ولی در خم هر کوچه ای یک مسجد می‌بینی، بدان که در یک کشور اسلامی هستی.

وقتی می‌بینی که مردم با همه ظواهر و دنگ و فنگ مدرن‌شان، هنوز در قرون گذشته زندگی می‌کنند تعجب نکن، بدان که در یک کشور اسلامی هستی.

وقتی می‌بینی که دین روی علوم کنترل دارد، مطمئن باش که در یک کشور اسلامی هستی.

وقتی می‌بینی روحانیون را «عالم» و «دانشمند» خطاب می‌کنند شگفت‌زده نشو، تو در یک کشور اسلامی هستی.

وقتی می‌بینی که حاکم کشور تبدیل شده به رهبری خداماندی که هیچ وقت از مسند قدرت پایین نمی‌آید و هیچ کس هم حق ندارد

از وی انتقاد کند آزرده نشو، تو در یک کشور اسلامی هستی. **وقتی** می‌بینی عده زیادی عبودیت را به آزادی ترجیح می‌دهند، دلت نسوزد، تو در یک کشور اسلامی هستی.

وقتی می‌شنوی که روحانیون می‌گویند دموکراسی کفر است، ولی از هر فرصتی که دموکراسی فراهم کند استفاده می‌کنند تا قدرت

و مقام بالاتری را قبضه کنند، تعجب نکن، تو در یک کشور اسلامی هستی.

وقتی می‌بینی یک زن نصف یک مرد ارزش دارد یا حتی کمتر مهووت نشو، تو در یک کشور اسلامی هستی.

وقتی ترس و دهشت مدام در عمق چشم‌های مردم خانه کرده، سخت‌گیری نکن و آرام باش، تو در یک کشور اسلامی هستی. به قلم «وجیهه حویدر»، نویسنده و زن فعال حقوق بشر، اهل عربستان سعودی •

جهان، امپریالیسم و در رأسش آمریکاست و باید از زورگویی‌های او ممانعت بعمل آوریم و تساوی حقوق ملل را تبلیغ کنیم.

پنجم بدون تردید از هرگونه اتهامی باید تاکید کنیم که ایران دارای صفر تعداد سلاح اتمی است. چیزی ندارد که بخواهد خلع سلاح شود. آمریکا تلاش دارد با تبلیغات کرکننده اش، مویشک‌های تدافعی بالستیک دور زن ۲۰۰۰ کیلومتری را از ایران بگیرد و پس از خلع سلاح، همان بلایی را که بر سر عراق و لیبی درآورد بر سر ایران درآورد. حزب ما باین خلع سلاح حتا با تمام نفرتی که از رژیم دارد مخالف است. زیرا این امر به موجودیت و تمامیت ارضی ایران لطمه می‌زند.

ششم متأسفانه باجهانی امروز سروکار داریم که قانون جنگل در آن حاکم است و برای بقا ناچاریم به همه سلاح‌ها تسلیح شویم تا بلعیده نشویم! آمریکا با تهدیداتی که می‌کند ممالک را به تولید سلاح اتمی سوق داده و می‌دهد، باید درمقابل این حربه اربعاب وزورگویی ایستاد.

نکته مهمی که باید بیشتر روی آن متمرکز شد این است که آمریکا درکل سر دشمنی با هر رژیمی دارد که تسلیم اوامرش نمی‌شود، وای به روزی که این رژیم دموکراتیک و یا سوسیالیستی باشد. مطمئنا حملاتش، دشمنی اش صد چندان بیشتر خواهد شد.

با شما کاملاً موافقیم که اگر رژیم پشتوانه مردمی داشت علیرغم همه فشارهای خارجی امکان بقایش بهتر تضمین می‌شد. و می‌توانست تعرض آمریکا را خنثی کند. ولی در هر حال تازمانی که شما با هر انگیزه ای بدنال استقلال سیاسی خود هستید و به هر دلیلی اوامر و اشنگتن را بر نمی‌تابید، مورد بی‌مهری و تعرض او قرار می‌گیرید، زیرا سرمایه مالی سیادت می‌خواهد، نه آزادی سیاسی، سلطه بلامنازع می‌خواهد و نه استقلال سیاسی ملل. امپریالیسم نقض استقلال سیاسی ملل را برای پیشبرد سیاست راهبردی خود نیاز دارد و این از ماهیت جهان‌خواهی او بر می‌خیزد. پس هدف امپریالیسم دموکراسی و حقوق بشر نیست، این‌ها ابزار فریب افکار عمومی و جنگ ایدئولوژیک علیه مخالفان است و نباید آن را باور کرد. آمریکا چه با ممالک مستقلی که سیستم چند حزبی پارلمانی و دموکراتیک دارند مانند بولیوی و ونزوئلا مخالف است و چه ممالک تک حزبی و سکولاری مثل کوبا و کره شمالی و چه با حکومت مذهبی و غیر سکولار ایران و سوریه سکولار مشکل دارد و خواهان نابودی آن‌ها است. ولی از طرفی از عربستان سعودی که یک حکومت کاملاً عقب مانده و قرون وسطایی است حمایت می‌کند و با او مشکلی ندارد. زیرا همان‌طور که متذکر شدیم امپریالیسم یعنی ارتجاعی سیاسی و الحاق طلبی و دشمنی با آزادی سیاسی ملل یعنی استقلال سیاسی آن‌ها.

برایتان موفقیت آرزو میکنیم، باز هم برایمان بنویسید! •



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				نارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				نارنمای آزمایشی حزب
<u>POSTBANK</u> bank code 20110022 bank account No.: 2573 3026 00 IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
<u>P.O. BOX 1138</u> D64526 Mörfelden-Walldorf E-Mail: toufan@toufan.org Fax: 00496996580346						